



Shiraz University
RICeST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 17, Issue 4, Winter 2026

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2026.55643.5483>



Research Article

Capabilities and Challenges of Iranian Courts in Prosecuting International Crimes Committed During the 12 -Day War

Fazlollah Forughi*

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Iran

Article history:

Received: 11-01-2026

Accepted: 22-02-2026

Abstract

Introduction

For many years, the Zionist occupation regime has directly and indirectly committed numerous criminal acts against the Islamic Republic of Iran, both inside and outside the country. Among its most severe aggressions was the military attack on Iranian territory known as Operation “Leaping Lion”, carried out with the aim of targeting more than 100 military and nuclear sites (June 13, 2025). This conflict, which ended after 12 days with a ceasefire agreement, has come to be known as the 12-Day Imposed War. During this war, the Israeli regime not only violated Iranian sovereignty but also committed multiple atrocities through attacks on persons and objects protected under the laws of armed conflict, amounting to war crimes. The United States also played an active criminal role in this conflict. U.S. political and military leaders assisted Israel by providing weaponry and facilitating its military operations. On the tenth day of the war, the U.S.

Please cite this article as:

Forughi, F (2026). Capabilities and Challenges of Iranian Courts in Prosecuting International Crimes Committed During the 12 -Day War. *Journal of Legal Studies*, 17(4), 143-186.
doi: <https://10.22099/JLS.2026.55643.5483>.

* Corresponding author:

E-mail address: forughi@shirazu.ac.ir

directly bombed Iran's nuclear facilities at Fordow, Natanz, and Isfahan. Consequently, based on the evidence and conduct of these two states, the alleged charges include war crimes, the crime of aggression, and terrorist crimes or acts of terrorism. The key legal question is determining through which international or domestic courts such crimes can be prosecuted, given the complementary jurisdiction principle of the International Criminal Court (ICC), which prioritizes national courts for prosecution. However, since the ICC is unlikely to assume jurisdiction in this case, the research question becomes: Do Iran's domestic courts possess the legal and practical capacity to prosecute such international crimes? And if so, what limitations and challenges stand in their way?

Methods

This study employs a descriptive-analytical approach based on the review and analysis of library-based sources and documents. To achieve its objectives and answer the main question, the research examines the legal framework governing the exercise of jurisdiction by Iranian courts in the field of international criminal law, and then evaluates the compatibility of domestic law with existing international principles and norms.

Findings

According to the findings, three fundamental prerequisites are necessary for Iranian courts to exercise jurisdiction over perpetrators of international crimes committed during the 12-Day War: Territorial jurisdiction enabling Iranian courts to intervene judicially; Domestic criminalization of the relevant international crimes; Judicial cooperation through extradition of suspects and convicts. The first condition exists, since the crimes and offenses occurred within Iranian territory, thus placing them under Iran's territorial jurisdiction. However, the other two conditions face significant deficiencies. On the one hand, international crimes such as war crimes, crimes of aggression, and terrorism have not been explicitly criminalized under Iranian domestic law using their international designations. On the other hand, the lack or insufficiency of extradition treaties between Iran and most countries—and restrictions such as the inclusion of the death penalty in some treaties as grounds for refusal to extradite—pose serious obstacles to effective judicial action by Iranian courts. Therefore, to overcome these limitations and ensure that perpetrators do not escape justice, it is recommended that a comprehensive national law on international crimes and judicial cooperation be enacted.

Conclusion

While the current capacity of Iranian courts to prosecute international crimes committed during the 12-Day War remains limited due to legal and practical constraints, until such obstacles are resolved and comprehensive legislation is enacted, Iran should nevertheless make full use of its domestic legal mechanisms to pursue perpetrators and secure justice for the victims of this war.

Keywords: War, Zionist regime, United States, International crimes, Jurisdiction.

دوره هفدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

JLS

مجله مطالعات حقوقی

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2026.55643.5483>

مقاله پژوهشی

ظرفیت‌ها و چالش‌های دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه فضل‌اله فروغی*

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: رژیم اشغالگر قدس، سال‌هاست که مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات مجرمانه متعددی را علیه جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور بکار برده و در حمله و تجاوزاتی که علیه ایران به راه انداخته، باعث صدمات و لطمات جانی و مالی بسیار سنگینی شده است. از جمله این حملات، حمله نظامی به خاک ایران تحت عنوان عملیات «شیر خیزان» بود که با هدف قراردادن بیش از ۱۰۰ سایت نظامی و هسته‌ای (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) سرانجام پس از مدت ۱۲ روز با قبول آتش‌بس، متوقف شد. در جریان این جنگ که از آن به «جنگ ۱۲ روز تحمیلی» نیز تعبیر می‌شود، رژیم اسرائیل علاوه بر تجاوز سرزمینی، با حملات نظامی به اشخاص و اشیاء محافظت‌شده در حقوق جنگ، مرتکب جنایات متعددی شده است. دولت آمریکا نیز در این جنگ، نقش مجرمانه فعالی ایفا کرد، زیرا سران دولت و ارتش آمریکا، علاوه بر معاونت از طریق تأمین نیاز تسلیحاتی و تسهیل حملات نظامی رژیم صهیونیستی، در روز دهم جنگ با مباشرت به حمله نظامی هوایی مستقیم و بمباران تأسیسات هسته‌ای فردو، نظنز و اصفهان مبادرت کرد. به هر روی، در نتیجه اعمال مجرمانه این دو، در جنگ اخیر، با توجه به عملکرد

استناد به این مقاله:

فروغی، فضل‌اله (۱۴۰۴). ظرفیت‌ها و چالش‌های دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه. *مجله مطالعات حقوقی*. شماره ۱۷. (۴). ۱۸۶-۱۴۳.E-mail address: forughi@shirazu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

آن‌ها و دلایل و مستندات موجود، اتهامات قابل انتساب به آنان، جنایات جنگی، جنایت تجاوز ارضی و نیز جرم تروریسم یا اقدامات مجرمانه تروریستی فرض می‌شود.

اما اینکه بر اساس ظرفیت‌های حقوق کیفری بین‌المللی، نهایتاً در کدام دادگاه بین‌المللی یا داخلی و چگونه امکان تعقیب و محاکمه این افراد وجود دارد موضوعی قابل بررسی است. حال با توجه به قبول صلاحیت تکمیلی برای دیوان کیفری بین‌المللی مبنی بر اینکه وظیفه نخست تعقیب مرتکبین چنین جنایاتی بر عهده دادگاه‌های کیفری ملی قرار گرفته، از یک سو و با قطع امید از امکان اعمال صلاحیت دیوان کیفری نسبت به جنایات و جرائم موضوع بحث از سوی دیگر، پرسش تحقیق پیش رو این است که آیا دادگاه‌های داخلی ایران از شرایط و ظرفیت قانونی و عملی لازم برای رسیدگی به چنین جنایات یا جرایمی برخوردار است و اساساً چه محدودیت‌ها و چالش‌هایی فراروی این دادگاه‌ها در این زمینه وجود دارد؟

روش‌ها: پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی - توصیفی است و محتوای آن از طریق بررسی منابع و اسناد کتابخانه‌ای تدوین و تحلیل شده است. برای تحقق اهداف پژوهش و پاسخ به سؤال آن، ضوابط و قواعد حاکم بر چگونگی اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی، در دستور کار قرار گرفته و سپس تطبیق حقوق داخلی در زمینه مورد بحث با اصول و قواعد موجود، ارزیابی و تحلیل شده است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، برای امکان اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به مرتکبین جرائم و جنایات بین‌المللی ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه اخیر، وجود سه شرط اساسی و لازم است: شرط امکان مداخله قضایی دادگاه‌های ایران از طریق اصل صلاحیت سرزمینی، شرط جرم‌انگاری داخلی جرائم و جنایات بین‌المللی موضوع بحث، شرط معاضدت قضایی در امور کیفری از طریق استرداد متهمان و محکومان به کشور. از میان شرایط مذکور، شرط نخست وجود دارد زیرا با توجه به ماهیت و نحوه ارتكاب جرائم و جنایات مورد بحث در این جنگ، این جرائم و جنایات در داخل سرزمین ایران واقع شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران خواهد بود. اما مسأله این است که در پرتو دو شرط دیگر، از یک سو، جرائم و جنایات بین‌المللی موضوع بحث، اساساً تحت همین عناوین بین‌المللی، در قوانین موضوعه ایران، جرم‌انگاری صریح صورت نپذیرفته است. از سوی دیگر نیز فقدان یا عدم کفایت قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و اکثر کشورهای جهان و سایر محدودیت‌هایی مانند پیش‌بینی مجازات اعدام در برخی از کنوانسیون‌های استرداد مجرمین به‌عنوان دلیل امتناع از استرداد، مداخله دادگاه‌های ایران را در این زمینه با چالش‌های جدی روبرو ساخته است. لذا

پیشنهاد می‌شود برای برون‌رفت از وضعیت موجود و جلوگیری از فرار مجرمین از چنگال عدالت، قانونی جامع در این زمینه تصویب شود.

نتیجه‌گیری: هرچند امکانات دادگاه‌های ایران در شرایط فعلی برای رسیدگی به جرائم و جنایات بین‌المللی ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه، به لحاظ چالش‌ها و محدودیت‌های موجود، عملاً محدود و ناچیز خواهد بود، در عین حال تا زمان رفع موانع و تصویب قانونی جامع باید در استفاده از ظرفیت‌های داخلی جهت تعقیب مرتکبین و استیفای حقوق قربانیان این جنگ اقدام شود.

واژگان کلیدی: جنگ، رژیم صهیونیستی، آمریکا، جنایات بین‌المللی، صلاحیت.

سرآغاز

دشمنی و اختلاف میان رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران ریشه‌های عمیق تاریخی، مذهبی و سیاسی دارد که از دهه‌ها پیش آغاز شده و تا به امروز ادامه یافته است. این اختلاف و دشمنی نه تنها در سطح دیپلماتیک و سیاسی بلکه در میدان‌های مختلف امنیتی و نظامی نیز مشهود بوده و تبعاتی گسترده بر روابط منطقه‌ای نیز داشته است. سابقه اقدامات مجرمانه و خرابکارانه رژیم صهیونیستی نیز نشان می‌دهد که افزون بر ارتکاب جنایات پیوسته در طول سال‌ها اشغال سرزمین فلسطین که بارها نیز واکنش سازمان ملل متحد^۱ و سایر نهادهای حقوق بشری^۲ و مردم جهان را در محکومیت او در پی داشته، با برپا کردن جنگ‌های خونین در لبنان و غزه، سبب کشتار مردم و لطمات جبران‌ناپذیری به این مناطق شده^۳ و در خلال این جنگ‌ها به دفعات، قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۴ را نقض کرده و خود را در مظان

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ با ۹۸ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۳ رأی، قتل‌عام مسلمانان صبرا و شتیلا رژیم اشغالگر قدس را از مصادیق ژنو سایید اعلام کرد: نک: (Daihim, 2005: 138).

۲. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ این رژیم را برای نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی به خاطر اعمالی که «جنایات جنگی و توهین به بشریت» تلقی می‌شود، محکوم کرد.

۳. رژیم اسرائیل تاکنون شش درگیری هولناک را علیه حزب‌الله لبنان و در نوار غزه به راه انداخته که باعث قتل‌عام هزاران انسان بی‌گناه و تخریب ده‌ها هزار خانه و زیرساخت شده است. این درگیری‌ها عبارت‌اند از: جنگ «۳۳ روزه لبنان» در سال ۲۰۰۶ و در غزه شامل: عملیات «سرب گداخته» در سال ۲۰۰۹، عملیات «ستون دفاعی» در سال ۲۰۱۲، عملیات «تیغه حفاظتی» در سال ۲۰۲۳.

۴. حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل بشر به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها، متضمن موارد استحقاقی ذاتی هر فرد به صرف انسان بودن وی بوده در کلیه زمان‌ها اعم از صلح و جنگ، قابل اجراست؛ اما حقوق بشردوستانه یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی که به حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه نیز معروف است، به‌عنوان یک حقوق اضطراری قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه، دربردارنده قواعد و مقرراتی است که ضمن محدود ساختن حق طرفین مخاصمه در انتخاب روش‌ها و وسایل صدمه زدن به دشمن، بر آن است تا از قربانیان جنگ یا رزمندگان از کار افتاده و کسانی که اصولاً در جنگ حضور و یا مشارکت ندارند حمایت به عمل آورد. در عین

اتهام جنایات بین‌المللی قرار داده است.^۱ با این حال، این رژیم با پشتیبانی متحدان قدرتمند غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، علی‌رغم نقض مکرر حقوق بین‌الملل، همچنان با فرار از اجرای عدالت و معافیت از مجازات به سر می‌برد؛ بنابراین جنگ و دشمنی میان ایران - رژیم صهیونیستی تنها یک مسئله رقابت منطقه‌ای نیست بلکه معیاری برای سنجش اعتبار عدالت کیفری بین‌المللی است. از این رو، رژیم اشغالگر قدس سال‌هاست که مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات مجرمانه متعددی را علیه جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور به کار برده و در حملات و تجاوزهایی که علیه ایران به راه انداخته، باعث صدمات و لطمات جانی و مالی بسیار سنگینی شده است. از جمله، این حملات عبارت‌اند از: حمله نظامی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه (اول آوریل ۲۰۲۴)، حمله سایبری به سایت‌های نظامی و هسته‌ای ایران (۱۹ آوریل ۲۰۲۴)، حمله موشکی و نظامی به تهران و ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴)، حمله نظامی گسترده هم‌زمان در بیش از ۲۰ منطقه ایران، عراق و سوریه (۲۶ اکتبر ۲۰۲۴) و نهایتاً حمله نظامی به خاک ایران تحت عنوان عملیات «شیر خیزان»^۲ با هدف قرار دادن بیش از ۱۰۰ سایت نظامی و هسته‌ای (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ برابر با ۲۳ خرداد ۱۴۰۴) که سرانجام پس از مدت ۱۲ روز با قبول آتش‌بس، متوقف شد.^۳

حال، این دو قاعده مکمل یکدیگرند؛ زیرا هدف هر دو حمایت از حیات انسان و کرامت اوست. نک: (Alborzi Varki, 2008: 17-41).

۱. بر اساس اخبار و گزارش‌های متعدد صادره از سوی نهادهای مختلف سازمان ملل، وقایع و رفتارهای مجرمانه این رژیم به وضوح دلالت بر تحقق جنایات بین‌المللی دارد. از جمله طبق گزارش کمیته حقیقت‌یاب به ریاست قاضی گلدستون در جریان جنگ ۲۲ روزه در غزه که نهایتاً به تصویب شورای حقوق بشر و سپس مجمع عمومی سازمان ملل رسید صراحتاً بیان شده: «اسرائیل مرتکب اعمالی شده که به‌مثابه جنایات جنگی و احتمالاً مصداق جنایت علیه بشریت است» (Shirzad & Kharazi, 2010: 82).

2. Operation Rising Lion

۳. در این زمینه نک:

Un human office of the high commission's Editorial, "Israel and Iran must de-escalate conflict to protect human rights, warn un euperts", April, 16, 2024,

در جریان جنگ اخیر که از آن به «جنگ ۱۲ روزه تحمیلی»^۱ نیز تعبیر می‌شود، رژیم اسرائیل علاوه بر تجاوز سرزمینی، با حملات نظامی به اشخاص و اشیا محافظت شده در حقوق جنگ، مرتکب جنایات جنگی و برخی دیگر جرائم بین‌المللی شده است. از ابتدا، جنگ با حمله غافلگیرانه ارتش این رژیم به ده‌ها نقطه از جمله تأسیسات هسته‌ای، مراکز فرماندهی، موشکی و پدافند هوایی و با پرواز صدها ریز پرنده در داخل کشور آغاز شد. در همان ساعات اولیه، تعدادی از عالی‌ترین فرماندهان نظامی و چند دانشمند هسته‌ای به همراه شمار زیادی از شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند. تجاوزهای این رژیم با حمله به میدان نفتی در بوشهر و فرودگاه مهرآباد، فرودگاه مشهد، ساختمان وزارت خارجه و وزارت دادگستری، سازمان صداوسیما، زندان، تأسیسات هسته‌ای اراک، چندین بیمارستان و اورژانس و ساختمان‌های مسکونی ادامه یافت و نهایتاً علاوه بر خسارات مالی قابل توجه، شهادت بیش از هزار نفر و مجروحیت افزون بر پنج هزار نفر از مردم را به دنبال داشت (Ghasemi et al, 2025: 70-78).

دولت آمریکا نیز در این جنگ، نقش مجرمانه فعالی ایفا کرد؛ به طوری که در همان روز نخست جنگ، ترامپ به روزنامه وال استریت ژورنال صریحاً بیان می‌دارد: «ما از قبل می‌دانستیم چه اتفاقی رخ خواهد داد» و بعد این روزنامه نوشت: «مذاکرات عمان، طرح فریب برای حمله به ایران بود»^۲. در واقع سران دولت و ارتش آمریکا، علاوه بر معاونت از طریق تأمین نیاز تسلیحاتی و اینکه با کمک اطلاعاتی و ایجاد خرابکاری در سامانه‌های پدافندی ایران، راه را برای عملیات هواپیماهای جنگی رژیم صهیونیستی هموار کرد، در روز دهم جنگ، با انجام عملیات «چکش نیمه‌شب» مباشرت به حمله نظامی هوایی مستقیم و بمباران تأسیسات هسته‌ای فردو، نظنز و اصفهان کرد (Ambreen Aman, 2025: 56). ترامپ این عملیات را «موفقیتی شگفت‌انگیز»

<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/04/Israel-and-Iran-must-de-escalate-conflict-protect-human-rights-warn-un>

1. Imposed 12-day war.

2. <https://www.wsj.com/livecoverage/israel-iran-strike-conflict/card/trump-to-wsj-u-s-was-awre-of-israel-s-plans-to-attack-iran-4613> Az rhhb gwhfbfyt18y.

اعلام کرد و اظهار داشت که ایالات متحده تا زمانی که توانایی هسته‌ای ایران را به‌طور کامل از بین نبرد، ادامه خواهد داد.^۱ به نحوی که مجله مشهور فارن پالیسی اذعان کرد که جنگ دوازده‌روزه در حقیقت نه جنگ اسرائیل با ایران بلکه جنگ آمریکا با ایران بود که با حضور نماینده تمدنی آمریکا در خاورمیانه صورت گرفت (به نقل از: (Ghasemi et al, 2025: 78).

به هر روی، آنچه از اخبار و گزارش‌های متعدد صادره از سوی نهادهای مختلف رسمی داخلی و خارجی به دست می‌رسد، به وضوح دلالت بر این دارد که در نتیجه اعمال مجرمانه سران و نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا علیه ایران در جنگ اخیر، با توجه به عملکرد آن‌ها و دلایل و مستندات موجود^۲، اتهامات فحیح قابل انتساب به آنان، از جنایات سنگین حقوق بشری^۳ یا جنایات بین‌المللی در مفهوم خاص^۴، «جنایت تجاوز نظامی یا سرزمینی»^۵ و «جنایات جنگی»^۶ و نیز «جرم تروریسم»^۷ یا اقدامات مجرمانه تروریستی» فرض می‌شود. از این‌رو، انتظار می‌رود که

۱. در این زمینه نک:

Nejad, Rana. "Iran and Israel's covert pragmatic friendship", new lines magazine January 29, 2025.

<https://newlinesmag.com/argument/iran-and-israels-covert-pragmatic-friendship1>.

۲. مطابق با بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل، توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشوری ممنوع است. استثنائات قابل اعمال این ماده مطابق با ماده ۳۹ (با تجویز شورای امنیت) و ماده ۵۱ (به‌عنوان دفاع مشروع) منشور است. بدیهی است اقدام رژیم صهیونیستی و آمریکا در حمله نظامی به ایران، تجاوز نظامی است و تابع هیچ‌یک از دو استثناء مذکور نیست؛ اما اقدام دفاعی ایران در عملیات وعده‌های صادق ۱ و ۲ و ۳ کاملاً مشمول قاعده دفاع مشروع قرار می‌گیرد. در این زمینه نک:

John Apochi and charity Ene Unogwu., The legality of united states, Intervention in a Hypothetical Israel-Iran conflict: An analysis of article 51 of the united nations charter and the principles of self-defence, International Review law and Jurisprudence (JRLJ) 7(1) January 2025, PP 22-45.

3. Gross Human Rights offences

4. Core Crimes

5. Agression

6. War crimes

7. Terrorism crime

مرتکبین این جنایات در پنجه عدالت گرفتار شده و ما شاهد تعقیب و محاکمه هرچه زودتر آمرین و عاملین این جنایات باشیم؛ اما اینکه بر اساس ظرفیت‌های حقوق کیفری بین‌المللی در سطح بین‌المللی و داخلی، نهایتاً در کدام دادگاه بین‌المللی یا داخلی و چگونه امکان تعقیب و محاکمه این افراد وجود دارد، موضوعی قابل بررسی است. از سویی، شورای امنیت سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حق و قدرت ارجاع پرونده‌ها به دیوان کیفری بین‌المللی را دارد، اغلب توسط حق وتوی اعضای دائمی فلج شده است و نیز اتحادهای راهبردی رژیم صهیونیستی با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های غربی تضمین می‌کند که از هر بررسی حقوقی بین‌المللی معناداری مصون بماند و از طرفی نیز جدیدترین سند لازم‌الاجرا در تعقیب و مجازات جنایات بین‌المللی، یعنی اساسنامه رم درباره دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) با قبول صلاحیت تکمیلی برای دیوان، وظیفه نخست تعقیب مرتکبین چنین جنایاتی را بر عهده دادگاه‌های کیفری ملی قرار داده است.^۱

حال با توجه به این اولویت از یکسو و با قطع امید از امکان اعمال صلاحیت دیوان کیفری نسبت به جنایات و جرائم موضوع بحث از سوی دیگر^۲، پرسش تحقیق پیش رو این است که آیا دادگاه‌های داخلی ایران^۳ از شرایط و ظرفیت قانونی و عملی لازم برای رسیدگی به چنین جنایات یا جرائمی برخوردار است و اساساً چه

۱. در فرازهایی از دیپاچه دیوان کیفری بین‌المللی اذعان می‌دارد: «با تأکید بر اینکه شدیدترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی می‌شود نباید بدون مجازات بمانند بلکه لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی ... تضمین شود» و اینکه «وظیفه هر دولتی است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال کنند».

۲. مضافاً اینکه ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی، هیچ‌کدام عضو اساسنامه این دیوان نبوده و ایران نیز تمایلی جهت طرح موضوع در دیوان با دادن اعلامیه موضوع بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان به‌عنوان دولت غیر عضو علیه آن رژیم ندارد.

۳. برای مطالعه حدود امکان تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات ارتكابی موضوع بحث از طریق دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر و در پرتو صلاحیت‌های فرا سرزمینی آن‌ها، نک: (Foroughi, 2024: 181-27).

محدودیت‌ها و چالش‌هایی فراروی این دادگاه‌ها در این زمینه وجود دارد؟ بدین‌سان این پژوهش که بر اساس روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، در قسمت اول به موضوع صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات ارتكابی می‌پردازد، پس از روشن شدن این ظرفیت قانونی (الف)، در بخش دوم، چالش‌ها و محدودیت‌های فراروی دادگاه‌های ایران در این زمینه مطرح و مورد بررسی قرار گرفته (ب) ^۱ و در نهایت، نتیجه پژوهش ارائه خواهد شد.

۱. ظرفیت‌های قانونی صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات ارتكابی

در قلمرو صلاحیت داخلی مطلق دولت‌ها، جرم یا جرائم ارتكابی می‌تواند به جهات مختلف به چندین دولت ذینفع یا غیر ذینفع ارتباط یابد: محل وقوع جرم در قلمرو حاکمیت آن باشد، مرتکب جرائم یا قربانی از اتباع آن دولت باشد، به منافع اساسی و حیاتی آن دولت لطمه بزند و یا ماهیت این جرم از چنان وخامتی برخوردار است که به دلیل شدت و ماهیت آن، به منافع مشترک همه دولت‌ها لطمه می‌زند به گونه‌ای که وجدان جامعه بین‌المللی جریحه‌دار شده و هریک از دولت‌ها خواستار به کیفر رساندن مرتکبین این جرائم می‌شود و لذا از این نظر، به سایر دولت‌ها نیز مرتبط می‌شود و هریک از این جهات می‌تواند موجبی برای این باشد که دولت مزبور بنا به جهات مذکور خود را برای رسیدگی به این جرائم و مجازات آن صالح کند (Khaleghi, 2003: 32).

به این ترتیب، ملاک و معیار دخالت دادگاه‌های داخلی، متعدد و مختلف بوده و در نتیجه، اصول و قواعد متعددی را بر صلاحیت کیفری امکان‌پذیر می‌سازد. اکنون

۱. شایان ذکر است، چالش‌ها و محدودیت‌های پیش روی دادگاه‌ها نیز، خود معلول ترکیبی از عوامل و علت‌العلل‌های مختلف سیاسی و مذهبی، فرهنگی و حوادث و رخدادهایی است که قطعاً با نادیده گرفتن آن‌ها و صرفاً با حرکت در یک بستر حقوقی محض، نمی‌توان بر مشکلات موجود فائق آمد. بدیهی است ورود به این بحث و تبیین ابعاد آن، بحث دامنه‌داری است که از این پژوهش خارج است.

امکان رسیدگی دادگاه‌های ایران به جنایات موضوع بحث را در پرتو این اصول صلاحیتی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱. امکان رسیدگی در پرتو اصل صلاحیت سرزمینی

بنیادین‌ترین شکل صلاحیت کیفری داخلی، صلاحیت نسبت به جرائم ارتكابی در قلمرو حاکمیت یک کشور است. این شکل از صلاحیت که صلاحیت سرزمینی نامیده می‌شود توسط تمام کشورها به‌عنوان تجلی منطقی و جلوه اساسی حق حاکمیت یک کشور پذیرفته شده است (Blackesley, 1984: 685). به موجب این صلاحیت، مطلق جرائم ارتكابی در قلمرو حاکمیت یک کشور، مطابق قوانین آن کشور قابل تعقیب و مجازات است. همچنین این صلاحیت، صلاحیتی مستقل است که برای اعمال آن، متن قانون خارجی مورد مراجعه قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین برای رسیدگی داخلی لازم نیست که عمل مرتکب بر طبق قانون ملی او یا مجنی علیه نیز جرم باشد.

علاوه بر این، برای اعمال این صلاحیت، دو مسئله اساسی: تعیین قلمرو حاکمیت و تشخیص محل وقوع جرم، لازم است. قلمرو حاکمیت عبارت است از کلیه فضاهایی که یک دولت در مناطق زمینی، دریایی و هوایی آن، اعمال حاکمیت می‌کند. در این صورت، علاوه بر سرزمین شامل کشتی، هواپیما و بعضاً سرزمین‌های اشغال‌شده هم می‌شود. در مورد محل وقوع جرم، هرگاه جرم به‌طور کامل در قلمرو حاکمیت یک کشور واقع شود، تردیدی در احراز محل وقوع آن جرم و در نتیجه اجرای این صلاحیت وجود ندارد (مفهوم مضیق صلاحیت سرزمینی)؛ اما اگر اجزای تشکیل‌دهنده جرم از حیث عمل مرتکب و نتیجه آن در کشورهای مختلف تحقق یابد مانند اینکه عمل تیراندازی یا پرتاب موشک در خارج از کشور و نتیجه یا محل اصابت منتهی به تخریب یا صدمه آن در داخل کشور باشد، در این فرض نظریات مختلفی ابراز شده است. بر

اساس نظریه نخست که «نظریه ذهنی»^۱ یا «نظریه عناصر تشکیل‌دهنده»^۲ یا «نظریه صلاحیت آغازین»^۳ نام دارد، محل وقوع جرم جایی است که مرتکب در آنجا فعل مجرمانه را انجام داده یا آغاز کرده است. بر طبق نظر دوم که به «نظریه عینی»^۴ یا «نظریه آثار»^۵ یا «نظریه صلاحیت پایانی»^۶ نام دارد، محل وقوع جرم، محلی است که در آنجا جرم، کامل و تمام شده و نتیجه عمل مرتکب محقق شده باشد. مطابق نظریه سوم که در واقع تلفیقی از دو نظریه سابق است و به آن «نظریه فراگیر»^۷ گفته می‌شود و برای رفع مشکلات عملی ناشی از اعمال هر یک از دو نظریه فوق به تنهایی، پیشنهاد شده است، دادگاه‌های هر دو کشور محل وقوع عمل یا نتیجه به‌طور یکسان صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را دارند (مفهوم موسع صلاحیت سرزمینی).

در این صورت با توجه به مقدمه مذکور، نخستین و مهم‌ترین کشور ذینفع و مرتبط با جنایات و جرائم ارتكابی موضوع بحث، جمهوری اسلامی ایران یعنی کشوری است که جرم در سرزمین و قلمرو حاکمیت آن واقع شده است. به عبارت دیگر، مبنای اولیه صلاحیت دادگاه‌های داخلی، «وقوع جرم در قلمرو کشور دادگاه رسیدگی‌کننده» است که این مبنا موجود است. به عبارت دیگر، با توجه به ماهیت و نحوه ارتكاب جنایات مورد بحث در این جنگ که با پرتاب موشک از پایگاه‌های دشمن در خارج از ایران یا به صورت بمباران‌های هوایی یا با هدایت پهپادها و ریز پرنده‌ها و احتمالاً اقدام زمینی صورت گرفته است، به هر روی، این جنایات در داخل سرزمین ایران نیز واقع شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران خواهد بود؛ زیرا ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی،

1. Subjective Territorial principle
2. The Constituent elements doctrine
3. Initiatory Jurisdiction
4. Objective Territorial principle
5. The effect doctrine
6. Terminatory Jurisdiction
7. The doctrine of ubi quity

دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود...» و ماده ۴ همین قانون اشعار می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است».

بنابراین در زمینه «صلاحیت» رسیدگی قضایی به تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان در محاکم داخلی، مشکل زیادی نداریم؛ اما این بخش آسان ماجراست چون جرم در داخل سرزمین ما رخ داده و صلاحیت سرزمینی برای رسیدگی قضایی به جرم را داریم؛ اما مسئله این است که اولاً آیا علاوه بر این ضرورتی برای اعمال صلاحیت فرا سرزمینی دادگاه‌های ایران، جهت رسیدگی به این جرائم و جنایات وجود دارد و ثانیاً اینکه آیا جرائم و جنایات بین‌المللی ارتكابی در این جنگ در قوانین کشور ما، جرم‌انگاری شده‌اند و آیا ما دسترسی به متهمان یا مجرمان داریم و آیا رسیدگی غیابی به جرم، ممکن است و نیز فایده‌ای دارد؟ موضوعاتی که در قسمت‌های بعدی به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. عدم امکان و ضرورت رسیدگی در پرتو اصول صلاحیت فرا سرزمینی

اكتفا کردن به صلاحیت سرزمینی که اقتضای آن تنها رسیدگی به جرائم ارتكابی در کشور است، سبب بی‌کیفر ماندن اعمال کسانی می‌شود که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند؛ بنابراین جهت تکمیل این صلاحیت، اصول دیگری نیز پیش‌بینی شده است که دولت را قادر به اعمال نوعی صلاحیت فرامرزی یا فرا سرزمینی می‌کند (Khaleghi, 2023: 40). از جمله این صلاحیت‌ها، صلاحیت شخصی است که به رابطه میان شخص و دولت متبوع وی مربوط می‌شود به گونه‌ای که دولت مزبور را برای رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط یکی از اتباع خود یا علیه آن‌ها صالح می‌کند. در صورت ارتكاب جرم توسط یکی از اتباع دولت، صلاحیت کیفری ناشی از آن

«صلاحیت شخصی فعال^۱ یا مثبت» نامیده می‌شود. شکل دیگر این صلاحیت، ناشی از ارتکاب جرم علیه یکی از اتباع در خارج از کشور است و به آن «صلاحیت شخصی غیرفعال^۲ یا منفی» می‌گویند، گاه نیز صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک دولت برای رسیدگی به جرائمی است که منافع اساسی و حیاتی آن دولت را در خارج از کشور مورد لطمه قرار می‌دهند و لذا هدف آن حمایت و حفاظت از منافع جامعه (دولت) است و به «صلاحیت واقعی یا حمایتی^۳» معروف است. در نهایت چون اعمال هیچ‌یک از اصول صلاحیتی یاد شده، برای مبارزه با جنایاتی که برای کل جامعه بشری قطع نظر از کشور یا فرد خاص، زیان‌بار به شمار می‌روند کافی نخواهد بود؛ بنابراین برای مجازات کسانی که عمل آن‌ها از چنان وخامتی برخوردار است که می‌تواند در حقیقت «دشمن کل بشریت»^۴ قلمداد شوند و برای جلوگیری از بی‌کیفر ماندن اعمال مجرمانه چنین افرادی، اصل دیگری پا به منصفه ظهور گذاشت که «اصل صلاحیت جهانی»^۵ نامیده می‌شود. بر اساس این اصل، هر دولتی باید بتواند قطع نظر از معیارهای سنتی فوق، مرتکب را تعقیب و مجازات کند.

در قانون مجازات اسلامی ایران، اصول صلاحیتی مذکور در ماده ۵ (صلاحیت واقعی یا حمایتی)، ماده ۷ (صلاحیت شخصی فعال)، ماده ۸ (صلاحیت شخصی غیرفعال) و ماده ۹ (صلاحیت جهانی) پذیرفته شده است؛ اما قطع نظر از اینکه اتهامات مورد بحث با کدام‌یک از اصول صلاحیتی فوق منطبق باشد، در موضوع مورد بررسی ما، شرط نیاز به اعمال هر یک از این صلاحیت‌ها این است که هم فعل مادی و هم نتیجه حاصل از آن در خارج از ایران تحقق یافته و هیچ جزئی از آن در خاک کشورمان واقع نشده باشد. در غیر این صورت، صرفاً امکان اعمال صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های ایران نسبت به جنایات

-
1. Active Personality
 2. Passive Personality
 3. Protective Principle
 4. Hostis Humanigenesis
 5. Universal Jurisdiction

ارتكابی در کشور وجود دارد و نوبت به اعمال اصول فرا سرزمینی فوق نمی‌رسد. این مطلب نیز از این حقیقت ناشی می‌شود که اعمال اصول صلاحیت، تقدم رتبه‌ای دارند که بنیادی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها اصل صلاحیت سرزمینی است و بقیه جنبه تکمیلی داشته و برای نقض اصل صلاحیت سرزمینی و به‌عنوان مکمل آن در جهت جلوگیری از فرار مجرم از مجازات به وجود آمده‌اند (Vaber, 1990: 113). به‌عبارت‌دیگر، در مقایسه صلاحیت‌ها از لحاظ مبانی، صلاحیت سرزمینی، «مستقل» است و صلاحیت‌های فرا سرزمینی (به‌جز صلاحیت واقعی یا حمایتی)، «صلاحیت مکمل»، مادام که صلاحیت مستقل و اصلی وجود دارد نوبت به صلاحیت مکمل و فرعی نمی‌رسد. بدین ترتیب، در ایران اصل صلاحیت سرزمینی در مفهوم گسترده آن قابل اعمال است و دادگاه‌های کشورمان صلاحیت رسیدگی به کلیه جنایات ارتكابی موضوع بحث اعم از اینکه تماماً در ایران واقع شده یا اعمال تشکیل‌دهنده آن‌ها در خارج از کشور ارتكاب یافته ولی نتایج مجرمانه آن‌ها در ایران تحقق یافته باشد را دارند و در این فرض، نیازی به اعمال صلاحیت‌های مکمل یادشده نیست. با این حال، برخی بر این باورند که در جرم تجاوز سرزمینی، دولت مورد هجوم علاوه بر صلاحیت سرزمینی عینی، از اصل صلاحیت واقعی برای محاکمه متجاوزان برخوردار است چون دولت متجاوز به تمامیت ارضی او حمله کرده که جزو منابع اساسی و حیاتی آن کشور است (Azizi, 2012: 27). اما به نظر می‌رسد اگرچه اصل صلاحیت واقعی نیز اصلی است مستقل و نه مکمل و لذا از جایگاه و شأن اصل صلاحیت سرزمینی برخوردار بوده و برخلاف سایر صلاحیت‌های فرا سرزمینی چون صلاحیت شخصی و جهانی از شرایط و محدودیت‌هایی مانند، منع تعقیب و محاکمه مجدد، مجرمیت متقابل و دسترسی به مرتکب در مرحله تعقیب و محاکمه، معاف و مبرا است ولی به هر حال، شرط اصلی آن وقوع جرم در خارج از کشور مدعی این صلاحیت است. از این‌رو، صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی در حمله نظامی به کنسولگری ایران در کشور سوریه (۲۰۲۴) و قبل از جنگ ۱۲ روزه، با توجه به اینکه این جنایت علیه منافع اساسی و حیاتی ایران و خارج از قلمرو

حاکمیت این کشور واقع شده، مبتنی بر اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی^۱ خواهد بود و نه صلاحیت سرزمینی.

۲. چالش‌های فراروی دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات ارتكابی

اگرچه روشن شد که دادگاه‌ها در ایران از ظرفیت قانونی و حقوقی لازم (صلاحیت) جهت رسیدگی به جنایات ارتكابی موضوع بحث برخوردارند اما در عمل این دادگاه‌ها با دو دسته چالش‌های جدی و اساسی زیر مواجه خواهند بود.

۲-۱. چالش‌های ناشی از عدم جرم‌انگاری^۲ جنایات ارتكابی: همچنان که در مقدمه گذشت، جرائم و جنایات بین‌المللی موضوع بحث، «جنایت تجاوز سرزمینی»^۳، «جنایات جنگی»^۱ و «جرم تروریسم یا جرائم تروریستی»^۲ فرض می‌شود.

۱. صلاحیت قانون ایران در موارد مندرج در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، مبتنی بر همین اصل است. مطابق این ماده: «هر شخص ایرانی یا غیرقانونی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر ... شود، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود...» الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

۲. جرم‌انگاری در معنای اصطلاحی، فرآیند جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل است که بر اساس آن، رفتاری مستوجب مجازات و کیفر می‌شود؛ اما اصطلاح حقوقی و تبیین ابعاد آن بحث دامنه‌داری است که نمی‌توان در این تحقیق وارد آن شد.

۳. بر اساس جدیدترین سند لازم‌الاجرای بین‌المللی یعنی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت تجاوز به موجب بند ۱ ماده ۸ مکرر این اساسنامه عبارت است از «برنامه‌ریزی، آمادگی، شروع یا اجرای یک عمل تجاوزکارانه که به لحاظ ویژگی، شدت و میزان، نقض آشکار منشور ملل متحد به شمار می‌رود. آن هم به‌وسیله یک شخص در موقعیتی که کنترل یا هدایت اقدام دولت برای عملیات سیاسی یا نظامی را اعمال می‌کند.» و بر اساس بند ۲ این ماده، عمل تجاوزکارانه عبارت است از استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، یا به هر طریقی دیگر معایر منشور ملل متحد از قبیل: «هرگونه حمله، تهاجم، اشغال نظامی (هرچند موقت)، یا انضمام سرزمین یک دولت به دولت دیگر با استفاده از زور،

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا در حقوق موضوعه ایران همانند برخی از کشورها^۱، جنایات و جرائم بین‌المللی مورد بحث تحت عناوین موجود و به کار رفته در حقوق بین‌الملل و به‌طور خاص در اساسنامه رم پیش‌بینی شده‌اند؟ به عبارت دیگر آیا ایران از «شرط جرم‌انگاری» عناوین مجرمانه مورد بحث برای امکان اجرای صلاحیت

بمباران یک کشور توسط کشور دیگر، محاصره بندرها، حمله زمینی، دریایی یا هوایی و ...» نک: (Aghaei, 2012: 163-184).

۱. جنایات جنگی نیز بر اساس ماده ۸ این اساسنامه عبارت است از «ارتکاب اعمالی از قبیل کشتار، تبعید، حمله به مردم یا اهداف غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های مسموم‌کننده، بمباران شهرها و مناطق مسکونی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی محسوب نمی‌شوند و اعمال دیگری که در جریان منازعات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی صورت گیرد» نک: (Momtaz, 2000: 25).

۲. تاکنون تلاش جهت ارائه تعریفی جامع از تروریسم به‌عنوان جرمی مستقل از سایر جرائم بین‌المللی به دلیل اختلاف سیاسی بین دولت‌ها، ناموفق بوده است، برخی معتقدند با توجه به اختلافات موجود نمی‌توان این عمل را به صورت مستقل، جرم‌انگاری کرد. لذا تنها راه جرم‌انگاری تروریسم، بررسی این عمل در چارچوب سایر جرائم ممنوعه و جرم‌انگاری شده و تحت پوشش سایر معاهدات بین‌المللی است؛ اما به اعتقاد برخی دیگر، تروریسم دارای تعریف مشخص در حقوق معاهداتی بوده و در حقوق بین‌الملل عرفی نیز جرم‌انگاری شده است. همچنان که مجمع عمومی سازمان ملل، اقدام به تعریف تروریسم و تصویب ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه کرده است. بر اساس قطعنامه ۹ دسامبر ۱۹۹۹ مجمع، تروریسم عبارت است از «هرگونه فعلی که به قصد فراهم آوردن موجبات مرگ یا جراحات شدید بدنی به غیرنظامیان یا هر شخص دیگری که در منازعات مسلحانه شرکت فعال ندارد، مشروط به اینکه هدف آن فعل، ارباب مردم یا اجبار یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک فعل باشد» نک: (Abdolahi, 2010: 65-68).

شایان ذکر است: در کنوانسیون‌های ۱۳ گانه فوق که از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۵ به تصویب رسیدند، تنها در سه کنوانسیون آن، صراحتاً واژه تروریسم به کار رفته است. کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تأمین مالی تروریسم مصوب ۲۵ فوریه ۲۰۰۰، کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای مصوب ۱۵ آوریل ۲۰۰۵.

۳. از جمله قوانینی که به دنبال تصویب اساسنامه رم (۱۹۹۸) و جهت همسویی و همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی وضع شده و از جنایات بین‌المللی در صلاحیت دیوان، جنایت نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی را جرم‌انگاری کردند می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: قانون دیوان کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۰ آلمان، قانون دیوان کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۰ استرالیا، قانون دیوان کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۰ کانادا، قانون دیوان کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۱ انگلستان.

قضایی سرزمینی دادگاه‌های کیفری خود برخوردار است یا خیر؟ و خلاصه اینکه وضعیت تقنین داخلی جنایات ارتكابی موردنظر در ایران چگونه است. بدیهی است با وجود شرط مورد نیاز نخست یعنی «شرط صلاحیت»، اما در صورت عدم جرم‌انگاری و کیفر گذاری نسبت به جنایاتی که قرار است موضوع صلاحیت رسیدگی قضایی دادگاه‌های ایران قرار گیرند، این خود مانعی مهم بر سر راه مجازات مؤثر مرتکبین این جنایات، توسط دادگاه‌های ملی ایجاد می‌کند.

از این‌رو، برای پاسخ به سؤال فوق به بررسی اقدامات تقنینی ایران در بحث جرم‌انگاری هر یک از جنایات و جرائم ارتكابی موردنظر و حدود انطباق‌پذیری قوانین و مقررات ماهوی این کشور با حقوق کیفری بین‌المللی، خواهیم پرداخت.

۱. در مورد جنایت تجاوز سرزمینی، صرف‌نظر از وجود سایر محدودیت‌ها و موانع تعقیب داخلی این جنایت بین‌المللی که به ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فرد بین‌المللی آن مربوط می‌شود^۱ که با سایر جرائم و جنایات بین‌المللی تمایز اساسی دارد، اساساً این

۱. علاوه بر چالش‌هایی مانند اصل تساوی و مصونیت حاکمیت‌ها و تعریف و تشخیص تجاوز و عمل تجاوزکارانه، از جمله محدودیت‌های خاص و متعدد دادگاه‌های داخلی در خصوص اعمال صلاحیت نسبت به تجاوز سرزمینی که بدین سبب برخی از صلاحیت انحصاری دیوان کیفری بین‌المللی در رابطه با رسیدگی به این جنایت سخن گفته‌اند عبارت‌اند از: ۱. تعداد اندک دولت‌هایی که اصلاحیه‌های کنفرانس کامپالا (در تعریف تجاوز و اعمال صلاحیت نسبت به آن) را تصویب کرده‌اند، زیرا در حال حاضر از ۱۲۳ دولت طرف اساسنامه دیوان تنها ۳۵ دولت اصلاحیه‌ها را تصویب کرده‌اند؛ بنابراین دادگاه‌های داخلی دولت‌های اخیر نسبت به اتباع دولت‌هایی که اصلاحیه را تصویب نکرده‌اند یا جرائم ارتكابی در سرزمین آن‌ها، صلاحیتی نسبت به تجاوز ندارند. ۲. تنها ۸ کشور لوکزامبورگ، اسلونی، کرواسی، جمهوری چک، اکوادور، ساموا، استرالیا و مقدونیه، تجاوز را در نظام حقوقی خود «جرم‌انگاری» کرده‌اند و سایر دولت‌ها به سبب «اصل قانونی بودن جرائم» امکان رسیدگی به جنایت تجاوز ندارند. ۳. دادگاه‌های داخلی نسبت به جنایت تجاوز ارتكابی از سوی اتباع دولت غیر عضو اساسنامه که در سرزمین دولت عضو اساسنامه واقع می‌شود، صلاحیت رسیدگی ندارند. پیامد این محدودیت ایجاد یک امتیاز برای دولت‌های غیرعضوی همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی است که اتباع آن در مظان اتهام در خصوص جرم تجاوز قرار دارند. ۴. جرم تجاوز به سبب لزوم درگیر بودن دولت‌ها در آن، رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و لذا رهبران دولت متجاوز با اعمال فشار سیاسی تلاش می‌کنند تا مقامات خود را از مجازات برهاند و بدین‌وسیله

جنایت تحت همین عنوان و با لحاظ شرایط خاص آن در قوانین موضوعه ایران، جرم‌انگاری نشده است. همچنان که با توجه به سابقه بحث و عدم اقبال اکثر کشورها در جرم‌انگاری داخلی این جنایت سنگین بین‌المللی منطبق با اصول حقوق کیفری بین‌المللی، معدود کشورهایی هستند که به‌طور ناقص نسبت به جرم‌انگاری برخی از جنبه‌های آن اقدام کرده‌اند.^۱

در مورد این جنایت، امروزه در حقوق کیفری بین‌المللی، حتی در راستای صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی نیز که به تعقیب جرائم بین‌المللی می‌پردازد، مشکل جدی وجود دارد؛ زیرا در هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی واجد صلاحیت جهانی، این صلاحیت برای دولت‌های عضو جهت تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایت تجاوز مورد شناسایی قرار نگرفته است؛ بنابراین بی‌دلیل نیست که اگر از حقوق بین‌الملل و برخی از نهادهای آن چشم‌پوشی کنیم و به قوانین داخلی غالب کشورها و از جمله ایران نظری بیفکنیم به وضوح خواهیم دید هیچ مقرره‌ای صریحاً این جنایت را پیش‌بینی نکرده است.

در این خلاً قانونی، ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز که در بحث «صلاحیت واقعی یا حمایتی» بیان داشته است: «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب ... اقدام علیه ... تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران شود ... طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات

مسئولیت بین‌المللی خود را در قبال عمل تجاوز متفی کند. ۵. وجود شرط رهبری در جنایت تجاوز بیانگر این نکته است که برخلاف سایر جنایات بین‌المللی که هر فردی می‌تواند مرتکب آن شود، جنایت تجاوز منحصرأ مربوط به مقام‌های ارشد حکومتی است. در قسمتی از مقررات اصلاحی آمده است «درباره جنایت تجاوز، مقررات این ماده فقط نسبت به افرادی به کار می‌رود که در موقعیت اعمال کنترل یا هدایت عملی اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت قرار دارند و ...» در این زمینه نک:

(Soodmandi, 2017: 131-134/Najundimanesh Bazar, 2018: 211-216)

۱. در قانون مجازات آلمان، ذیل «جرائم علیه صلح» طبق ماده ۸۰ تدارک جنگ تجاوزکارانه و بر اساس ماده ۸۰ الف این قانون برانگیختن جنگ تجاوزکارانه، جرم‌انگاری شده است. نک: (Bohlander 2020 :103).

می‌شود»، تنها به توسعه صلاحیت کیفری ایران نسبت به جنایت تجاوز ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اشاره داشته ولی مشکل ماهوی عدم جرم‌انگاری این جنایت را حل نمی‌کند؛ زیرا ایران در این قضیه دارای صلاحیت سرزمینی است و نوبت به صلاحیت واقعی نمی‌رسد. بر فرض هم که ایران بتواند و بخواهد این موضوع را بر اساس صلاحیت واقعی و به موجب ماده ۵ یادشده رسیدگی کند، باز هم مشکل جرم‌انگاری و کیفر گذاری عبارت «اقدام علیه ... تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران» باقی می‌ماند. اگر هم بپذیریم که قانون‌گذار ما در این ماده قانونی، جرم بودن عمل را پیش‌بینی و فقط مجازات آن را بیان نکرده، بلکه به سایر مقررات کیفری مربوطه احاله داده است، صرف‌نظر از اینکه باید گفته شود مبنای پیش‌بینی ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، صرفاً تعیین و تجویز قلمرو صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به جرم واقع شده در خارج کشور بوده که یک امر شکلی و صلاحیتی است و نه یک امر ماهوی و جرم‌انگاری یا توصیف مجرمانه عمل، به هر حال طبق اصل «قانونی بودن جرم و مجازات»، جرم بودن عمل و مجازات آن هر دو باید صریحاً در قانون مشخص شده باشد؛ اما ماده ۲۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح کمی نزدیک به بحث و به‌طور جزئی بیان داشته است: «هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور اقدام کند به مجازات محارب محکوم می‌شود». همچنان که شاید بتوان به تعبیر برخی از نویسندگان، با مقایسه این جنایت بین‌المللی با بعضی عناوین داخلی و با اندکی مسامحه آن را در قالب «جرم بغی» موضوع ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ راجع به قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی یا جرم قتل و عناوین مشابه دیگر تحت رسیدگی قرار داد (Faramarzi & Poorbafrani, 2022: 177).

با این حال، بدیهی است جنایت تجاوز و عناوین مجرمانه مورد اشاره، مفهوم و ماهیت یکسانی نداشته و این شباهت جزئی ما را از لزوم جرم‌انگاری جنایت تجاوز در نظام حقوقی ایران بی‌نیاز نخواهد ساخت.

۲. در مورد جنایات جنگی نیز هرچند با توجه به مفهوم و مصادیق این جنایات در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی، تحت این عنوان در قوانین موضوعه ایران، جرم‌انگاری صریح صورت نپذیرفته است اما نسبت به این جنایات، مسئله به نحو دیگری رخ می‌کند؛ زیرا جنایات جنگی موضوع کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹) قرار گرفته است که در تاریخ ۱۳۳۴/۹/۳۰ به تصویب قوه قانون‌گذاری کشورمان رسیده است. در این کنوانسیون‌ها متن ماده‌ای از کنوانسیون، هر دولت عضو را قطع نظر از محل ارتکاب، صالح به رسیدگی به جرائم موردنظر در کنوانسیون‌ها دانسته، آن را ملزم به تعقیب و محاکمه متهمین به جرائم مذکور در دادگاه‌های خود می‌کند. در واقع در این کنوانسیون‌ها که به‌طور مستقیم در کشورهای عضو قابل‌اجرا هستند و صلاحیت هر یک از دول عضو مستقیماً از خود کنوانسیون ناشی می‌شود، برخلاف موضوع تعیین مجازات برای مرتکبین جرائم موردنظر که موکول به «اتخاذ تقنینی لازم» شده است، الزام دولت‌های عضو به «جست‌وجو و تسلیم آن‌ها به دادگاه‌های خود برای محاکمه» و در نتیجه صلاحیت آن‌ها، مستقیماً برخاسته از متن ماده فوق و بی‌نیاز از «اقدامات تقنینی» بعدی است (Khaleghi, 2023: 117).

بدین‌سان، کنوانسیون‌های مذکور می‌تواند مبنای صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به پاره‌ای جنایات جنگی قرار گیرد. در این صورت، مصادیق محدود این جنایات در بند الف ماده ۸ اساسنامه رم که «نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو» عنوان شده است (۸ مورد) نیازی به جرم‌انگاری مجدد ندارد؛ اما در هر حال، تعیین مجازات برای مرتکبین این جرائم نیازمند اقدام قانونی لازم است که تاکنون این امر صورت نگرفته است. در حالی که نسبت به اکثر مصادیق جنایات جنگی مذکور در بند ب ماده ۸ اساسنامه رم که مرتبط با «دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی است» (۲۶ مورد) و از شمول کنوانسیون‌های ژنو خارج است، در ایران نه جرم‌انگاری و نه کیفر گذاری یا تعیین مجازات به عمل نیامده است. اگر هم بتوان گفت چنانچه اعمال تحت پوشش

جنایات جنگی در قالب جرائم عادی مانند قتل عمدی، شکنجه و تخریب در قوانین داخلی، جرم‌انگاری شده، این نحو از جرم‌انگاری کافی است و از این حیث نقصانی وجود ندارد (Poorbafrani, 2013: 16). اما مسلماً موارد ۲۶ گانه و متنوع تحت پوشش جنایات جنگی^۱ در منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، در قوانین کیفری داخلی ایران، جرم‌انگاری نشده است و این مصادیق از جنایات جنگی با قوانین موجود، قابل مجازات نیست. همچنان که کمیته حقوق بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با صراحت و حتی جدای از بحث الحاق یا عدم الحاق به دیوان کیفری بین‌المللی، درباره «جرم‌انگاری جنایات جنگی» از جمله استفاده از سلاح‌های شیمیایی پیشنهاد «جرم‌انگاری داخلی رفتارهای مجرمانه بین‌المللی و جرم‌انگاری داخلی رفتارهای مجرمانه پیش‌بینی شده در معاهدات بین‌المللی پذیرفته شده» را داده که بدون تردید، جنایات جنگی در زمره این جرائم بین‌المللی است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که رویکرد کارشناسی در عالی‌ترین سطح مشورتی کشور، به سوی جرم‌انگاری این جرائم است (Jalali & Maghami, 2009: 124).

علاوه بر این، از نظر سیاسی با تهدیداتی که کشورهای اسلامی و ایران از جانب رژیم صهیونیستی و آمریکا، با آن روبرو هستند و نیز تجربه سابق و به‌ویژه جریان جنگ تحمیلی اخیر نشان می‌دهد باید جنایات بین‌المللی و از جمله جنایات جنگی در حوزه حقوق داخلی، جرم‌انگاری شود. مضافاً اینکه از نظر رعایت موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز عدم اقدام در این زمینه، با تفسیرهای نامناسبی که ممکن است از آن ارائه شود می‌تواند تبعات حقوقی و سیاسی برای کشور در مجامع بین‌المللی داشته باشد (Ibid) و شاید به همین دلایل و سایر اقتضائات عملی بوده که بارها ضرورت این

۱. از قبیل هدایت عمدی حملات بر ضد مردم یا اهداف غیرنظامی یا کارکنان، تأسیسات، مواد ...، حمله عمدی منجر به آسیب غیرنظامیان، آسیب شدید به محیط‌زیست، حمله و بمباران، غارت، استفاده از گازهای خفه‌کننده یا سمی و شیمیایی، سلاح ممنوعه، تحمیل گرسنگی، گروگان‌گیری و ...

جرمانگاری‌ها با وضع قوانین کیفری مناسب، پیش آمده و تلاش‌هایی نیز صورت گرفته ولی هنوز قانون لازم و جامعی در این زمینه تصویب نشده است.^۱

۳. در مورد «تروریسم» در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی پیش‌بینی نشده و به عبارت دیگر، جرم‌انگاری صورت نگرفته است. با وجود این از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، همواره آماج حملات تروریستی بوده و خود قربانی تروریست‌های داخلی و خارجی قرار گرفته، لذا به منظور پیشگیری و مقابله با آن، راهبردهای مشخصی را ترسیم و به اجرا گذاشته است. از جمله در حوزه تقنین، تاکنون و به مناسبت‌های مختلف، قوانین کم و بیش مرتبط با این موضوع به تصویب قانون‌گذار رسیده است.^۲

۱. نخستین بار در سال ۱۳۸۱، طرحی به نام «نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل‌زدایی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفته است. با تصویب مجدد این طرح در جلسه مورخ ۸۱/۵/۱۳ و اصرار مجلس بر مصوبه خود، طرح مذکور جهت تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شده که هنوز به نتیجه نرسیده است. بار دوم، قانون «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» در تاریخ ۸۷/۱۰/۱۱ تصویب شده است که به موجب ماده ۳ این قانون: «دولت موظف است... موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی کشور به‌عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری کند». بار سوم، قانون «مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس ماده ۱۱ این قانون: «دادستان کل کشور ... مکلف است ... نسبت به طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران جنایتکار رژیم اشغالگر صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی در محاکم ذی‌صلاح داخلی و خارجی و دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی اقدام کند». ماده ۶ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد: «هرگونه همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی در حکم محاربه و افساد فی‌الارض است و مرتکب به اشد مجازات محکوم خواهد شد». در نهایت، طرح دوفوریتی قانون «صلاحیت رسیدگی محاکم جمهوری اسلامی ایران در خصوص جرائم بین‌المللی» در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.

۲. از جمله قوانین مرتبط عبارت‌اند از: ماده واحده قانون تشدید مجازات مقابله با اقدامات تروریستی آمریکا مصوب ۱۳۶۸، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب سال ۱۳۷۸، «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه مصوب ۱۳۹۶».

ولی تنها جرم بیشتر مرتبط با تروریسم که صریحاً مورد تقنین و جرم‌انگاری قرار گرفته است، جرم تأمین مالی تروریسم، موضوع قانون «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» مصوب ۱۳۷۴ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۷ است. برای نخستین بار، علاوه بر جرم‌انگاری «تأمین مالی تروریسم» مصادیق «اعمال تروریستی» مشمول این قانون نیز احصا شده و تشخیص تروریستی بودن آن بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار گرفته است.^۱

بر اساس ماده ۱ این قانون، جرم تأمین مالی تروریسم عبارت است از: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی» و طبق بند الف این ماده، «اعمال تروریستی» عبارت‌اند از: «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک‌سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی» و در نهایت، مجازات جرم مزبور طبق ماده ۲ این قانون بدین قرار است: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود».

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: (Javanmard, 2011: 434-435).

در هر حال، با وجود آنکه به دفعات، اشخاص و مقامات عالی کشور ما اعم از فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای^۱ و ... آماج حملات تروریستی دشمن به صورت جمعی و فردی قرار گرفته است، اما عنوان مجرمانه‌ای به صورت خاص تحت عنوان ترور یا تروریسم در نظام کیفری ایران پیش‌بینی نشده است، در عین حال به نظر می‌رسد برخی از اشکال تروریسم و اقدامات تروریستی با برخی از عناوین مجرمانه موجود در قوانین داخلی، شباهت و قرابت معنایی دارند و شاید دلیل عدم نیاز به جرم‌انگاری مستقل تروریسم، امکان تعقیب و محاکمه مرتکبین چنین اعمالی بر اساس عناوین مجرمانه مشابه است (Alizadeh, 2025: 179).

از این‌رو، برخی معتقدند با توجه به عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده در قوانین کیفری، نیازی به تخصیص عنوان خاصی به اعمال تروریستی نیست؛ زیرا مفهوم تروریسم، مفهوم جدیدی محسوب نمی‌شود و اعمال تروریستی، خواه‌ناخواه به عنوان یکی از جرائم علیه اشخاص (مثل قتل، ضرب و جرح) یا جرائم علیه اموال (مثل تخریب و احراق) یا جرائم علیه امنیت (مثل محاربه) مطرح می‌شوند. در واقع تروریسم ماهیت مستقل و بالذاتی ندارد بلکه روش و طریق خاص ارتکاب جرائم عمومی به آن‌ها ویژگی تروریستی یا سازمان‌یافته بودن را می‌دهد (Shamsnateri & Eslami, 2016: 278).

در حالی که شباهت‌های عناوین مجرمانه مذکور (مثل محاربه) با تروریسم نباید موجب القای این شبهه شود که تروریسم و این جرائم مفهوم یکسانی دارند و با وجود عنوان مجرمانه فعلی، نیازی به جرم‌انگاری تروریسم در نظام حقوق کیفری ایران وجود ندارد. تروریسم یک عنوان مجرمانه عمومی است و رفتار مجرمانه آن مصادیق مختلفی از جمله قتل و سوء قصد به جان اشخاص، گروگان‌گیری، تخریب اموال، بمب‌گذاری، هواپیماربایی می‌تواند باشد. تروریسم ماهیت پویایی دارد و مصادیق آن در طول زمان

۱. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱۷۰۰۰ شهید ترور، یکی از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم و در شمار مدعیان اصلی مبارزه با این پدیده شوم به حساب می‌آید. نک: (Aghabagheri & Razavi, 2021: 3).

با تحول روبه‌رو بوده است. گسترش شیوه‌ها و ابزارهای ارتکاب جرائم تروریستی متناسب با زمان متحول شده است. سازمان‌یافتگی جرائم تروریستی، یکی از ویژگی‌های این دسته از جرائم است. برای تحقق این جرم برخلاف گذشته^۱ نیازی به ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز نیست؛ بنابراین کارکرد خاص هریک از عناوین را باید حفظ کرد (Habibzadeh&Hakimiha, 2008: 68).

همچنان که به نظر می‌رسد اقدام قانون‌گذار در وضع قوانین خاص مورد اشاره در سال‌های اخیر و در تطبیق حقوق کیفری داخلی با حقوق و الزامات بین‌المللی نیز در همین راستا و با این رویکرد بوده و لذا لازم است با تصویب قانونی جامع به خلأ قانونی موجود در خصوص تروریسم پایان داده شود.

۲-۲. چالش‌های ناشی از عدم استرداد متهمان و محکومان

از محدودیت و چالش جدی فراروی دادگاه‌های ایران در تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات ارتكابی موضوع بحث در زمینه جرم‌انگاری داخلی و بین‌المللی این جنایات که بگذریم، مشکل اساسی دیگری خودنمایی می‌کند و آن، محدودیت ناشی از عدم حضور مرتکبین این جنایات در سرزمین دولت مدعی صلاحیت یعنی ایران است، زیرا قطع نظر از امکان رسیدگی غیابی به اتهام متهمان در مرحله تعقیب و محاکمه بر اساس صلاحیت سرزمینی اما به هر حال عملاً این رسیدگی غیابی، بدون دسترسی به محکومان جهت اجرای حکم محکومیت فایده و تأثیری نخواهد داشت. به همین منظور و در این راستا، در اینجا مسئله حدود امکان استرداد متهمان یا محکومان جنایات موضوع بحث را به ایران، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. همچنین به این موضوع باید مشکل «احتمال عدم استرداد مرتکبین جنایات بین‌المللی مورد بحث در مرحله تعقیب یا اجرای مجازات» از سوی کشورها به دلیل و بهانه عناوین مجرمانه داخلی مثل محاربه و مجازات آن‌ها را اضافه کرد که در قسمت بعد به توضیح آن خواهیم پرداخت.

مدت زیادی نیست که دولت‌ها به ضرورت معاضدت جزایی بین‌المللی پی برده‌اند و از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای مبارزه همه‌جانبه و هماهنگ با بزه‌کاری بین‌المللی استفاده می‌کنند. در همین راستا، کنوانسیون اروپایی معاضدت قضایی در امر جزایی مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۵۹، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که در کلیه رسیدگی‌های مربوط به جرائم داخل در صلاحیت مقامات قضایی این کشورها حداکثر همکاری را با یکدیگر بکنند... در ایران نیز گام‌های مفیدی برای تسهیل این همکاری با برخی کشورها که به دلایل سیاسی تفاهم خوبی با آن‌ها وجود دارد و یا به دلیل نزدیکی جغرافیایی مراودات بیشتری با آن‌ها برقرار است، برداشته شده است (Khaleghi, 2023: 34).

بر اساس استرداد که در واقع قدیمی‌ترین شیوه معاضدت و همکاری دولت‌ها در امور کیفری محسوب می‌شود، دولتی که قصد محاکمه یا اجرای مجازات نسبت به شخصی را دارد از دولتی دیگر که این شخص را در اختیار دارد می‌خواهد که وی را به آن تسلیم کند. معمولاً استرداد مبتنی بر یک معاهده خاص میان دو یا چند کشور است و در صورت فقدان هرگونه موافقت‌نامه قبلی در این خصوص، معامله متقابل می‌تواند خلأ چنین تعهد قراردادی را پر کند. در معاهده استرداد، دولت‌ها معمولاً شرایط مربوط به جرائم و اشخاص مشمول استرداد و جرائم و اشخاص غیرقابل استرداد را تعیین می‌کنند. برخی شرایط و جزئیات راجع به چگونگی استرداد نیز معمولاً در متن معاهده ذکر نمی‌شود و بیان آن به قوانین داخلی واگذار می‌شود. در ایران نیز قانون راجع به استرداد مجرمین در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید تا شرایط و ضوابط مربوط به استرداد را در مواقعی که معاهده‌ای در این خصوص وجود ندارد و یا معاهده‌ای با دولتی وجود داشته اما نسبت به مواردی ساکت باشد، بیان و یا تکمیل کند. همچنین کشور ما تعداد

۱. تاکنون ۳۰ موافقت‌نامه انتقال محکومین، ۳۴ موافقت‌نامه استرداد مجرمین، ۲۱ موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و تجاری و ۳۱ موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور کیفری میان جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌ها به امضاء رسیده است. در این زمینه نک: (Jalalian, 2026: 14).

۳۴ موافقت‌نامه استرداد مجرمین^۱ با سایر کشورها تنظیم و قوانینی نیز در این زمینه تصویب یا در شرف تصویب دارد.

به هر روی بر اساس این مقررات که تقریباً در متن بیشتر آن‌ها، به لحاظ بین‌المللی بودن موضوع استرداد، از یک الگوی مشابه تبعیت شده است، نهاد استرداد به اعتبار جرم، اشخاص موضوع استرداد، دولت متقاضی و دولت تقاضا شونده، احکام و شرایط متعددی دارد که فقدان هر یک از آن‌ها، مانعی فراروی استرداد متهم یا محکوم مورد تقاضا ایجاد خواهد کرد.

بنابراین علاوه بر موانع و محدودیت‌های احتمالی ناشی از فقدان هر یک از اصول و شرایط مذکور به‌ویژه محدودیت جدی مربوط به «فقدان یا عدم کفایت قرارداد استرداد مجرمین» بین ایران و اکثر کشورهای جهان از یک‌سو و چالش‌ها و موانع تعقیب داخلی جنایات بین‌المللی^۲ مانند فقدان قانون‌گذاری یا وجود قوانین نامناسب، فقدان اراده سیاسی یا مداخله سیاسی و سایر محدودیت‌های اجرایی از سوی دیگر، اساساً چند مشکل اساسی در تعقیب مقام‌ها و نیروهای رژیم صهیونیستی و آمریکایی در پرتو شرایط فعلی استرداد، بیشتر خودنمایی می‌کند.

یکی از این مشکلات که قطعاً صلاحیت دادگاه‌های ایران را در موقعیت انفعالی و غیر مؤثر قرار داده و عملاً اجرای عدالت را به زمان نامعلوم در آینده موکول می‌کند، چالش ناشی از پیش‌بینی «مجازات اعدام» در کنوانسیون‌های استرداد مجرمین به‌عنوان

۱. جمهوری اسلامی ایران با ۳۴ دولت زیر دارای قرارداد دوجانبه و بر همین اساس، قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمین است: آذربایجان (۱۳۷۸)، آفریقای جنوبی (۱۳۸۶)، ارمنستان (۱۳۸۶)، ازبکستان (۱۳۸۱)، افغانستان (۱۳۸۸)، الجزایر (۱۳۸۴)، امارات متحده عربی (۱۳۸۹)، اندونزی (۱۳۹۶)، اوکراین (۱۳۸۵)، برزیل (۱۴۰۰)، بلاروس (۱۳۹۱)، بوسنی و هرزگوین (۱۳۹۱)، پاکستان (۱۳۳۹)، ترکمنستان (۱۳۸۶)، ترکیه (۱۳۸۹)، چین (۱۳۹۳)، روسیه (۱۳۷۸)، سنگال (در شرف تصویب)، سوریه (۱۳۸۰)، عراق (۱۳۹۱)، فرانسه (۱۳۴۵)، قبرس (۱۳۹۴)، قرقیزستان (۱۳۸۵)، قطر (۱۳۸۸)، کویت (۱۳۸۴)، کره (۱۳۹۶)، مالزی (۱۴۰۳)، ویتنام (۱۴۰۴)، ونزوئلا (۱۴۰۴)، هند (۱۳۸۹)، در این زمینه نک: (Jalalian, 2025: 1-403).

۲. برای مطالعه بیشتر نک: (Foroughi, 2010: 130-164).

دلیل امتناع الزامی از استرداد^۱ است، زیرا قطع نظر از قوانین کیفری یا قراردادهای استرداد معدود کشورهایی که استثنائاً در آن، شرط عدم اعدام پیش‌بینی نشده به گونه‌ای که نوع مجازات مرتکب در قلمرو دولت متقاضی استرداد و در اینجا دولت ایران بی‌تأثیر خواهد بود، امروزه در اغلب کشورهای جهان مجازات اعدام، لغو شده و از شرط عدم اعدام در استرداد تبعیت کرده و بدین‌جهت عملاً رسیدگی به جنایات ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه، به دلیل احتمال مجازات قصاص یا اعدام نسبت به متهمان مربوطه در ایران، امکان‌پذیر نخواهد بود و یا در برخی از این کشورها تعهد به استرداد مجرمین در معرض اعدام، اختیاری^۲ و موکول به دادن تضمینات مناسب کافی مبنی بر عدم اجرای مجازات اعدام در کشور متقاضی استرداد است.^۳ اما مسئله این است که بسیاری از کشورها با وجود معاهده استرداد لازم‌الاجرا و تعهد به استرداد، از استرداد این مجرمین، خودداری می‌کنند (Rashidi & Raeisi, 2019: 181). بند ۲ ماده ۱۹ منشور حقوق اساسی اروپا مقرر می‌دارد: «هیچ فردی ممکن نیست استرداد، اخراج و یا منتقل شود به کشوری که خطر جدی مبنی بر اجرای مجازات اعدام، شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات غیرانسانی تحقیق‌آمیز در آنجا وجود دارد». در عمل نیز در برخی از پرونده‌های استرداد که در دادگاه‌های داخلی کشورهای لغو‌کننده مجازات اعدام مطرح

1. Mandatory Grounds for refusal

2. Optional Grounds for refusal

۳. به موجب بند ۱ (ج) ماده ۳ قانون موافقت‌نامه بین ایران و جمهوری آندونزی، از موارد امتناع از استرداد این است که «چنانچه به موجب قانون طرف درخواست‌کننده، جرم موضوع استرداد، مشمول مجازات اعدام باشد، در حالی که به موجب قوانین طرف درخواست‌شونده، جرم مزبور مشمول مجازات اعدام نباشد، مگر آنکه طرف درخواست‌کننده تضمین کند چنانچه شخص مزبور محکوم به اعدام شود، مجازات اعدام اجرا نخواهد شد».

شده حتی با وجود دادن تضمین کافی جهت عدم اجرای مجازات اعدام، به لحاظ محدودیت‌های حقوق بشری از استرداد امتناع کرده‌اند.^۱ بدین ترتیب این رویکرد و رویه‌های مبتنی بر آن، همکاری بین‌المللی دولت‌ها را در زمینه مبارزه با جرائم بین‌المللی از طریق استرداد مجرمان با تهدید و چالش جدی مواجه می‌سازد. از این رو برای رفع چالش و غلبه بر این تهدید در سطح بین‌المللی، سه راهکار پیشنهاد شده است: لغو مجازات اعدام، ارائه تضمین کافی بر عدم اجرای مجازات اعدام، رسیدگی به اتهام در کشور محل حضور مرتکب (Rashidi & Raeisi, 2019: 193).

شیوه دیگری از «استرداد مرتکبین جنایات بین‌المللی» بر اساس قاعده سستی و معاهداتی «تعهد به استرداد یا محاکمه»^۲ است که به موجب آن، دولت محل حضور یا دستگیری متهم، یا باید متهم را در مراجع داخلی خود مورد تعقیب قرار دهد و یا وی را به دولت درخواست‌کننده استرداد تسلیم کند.^۳ این اصل که برخی آن را شکلی از اصل صلاحیت جهانی (Bassiouni & Wise, 1995: 15) و بعضی آن را متفاوت و مستقل از این اصل پنداشته‌اند (Zeyahi & hakimi, 2016: 111) علاوه بر اسناد بین‌المللی، در قوانین داخلی بسیاری از کشورها پیش‌بینی شده و کشورهای بلژیک و استرالیا پیشگامان

۱. به‌عنوان مثال، در ژوئن ۱۹۹۶ دادگاه قانون اساسی ایتالیا با وجود اینکه توسط دادستانی آمریکا تضمیناتی داده شد که مجازات اعدام در خصوص «پیترو ویچنزا» را اعمال نکند، استرداد وی را به ایالات متحده نپذیرفت (Bianchi, 1997: 722) به نقل از: (Rashidi & Raeisi, OP.Cit: 190).

2. Aut dedere Aut Judicare

۳. با توجه به هدف اساسی مبارزه و پیشگیری از جنایات بین‌المللی که جامعه جهانی از خلق این اصل دنبال می‌کند اجرای آن همراه با نوآوری‌های جالبی در رویه قضایی بین‌المللی همراه بوده است؛ زیرا علاوه بر دو گزینه انتخابی که با استرداد فرد مظنون به ارتکاب جنایت موضوع معاهده به دولت متقاضی و یا اعمال صلاحیت کیفری خود در زمینه تعقیب و محاکمه فرد مذکور است، در مواردی بر اساس مفهوم جدیدی از این تعهد، در مراجع داخلی دولت دستگیرکننده متهم می‌تواند راه‌حل دیگری را اتخاذ کند و متهم را به یک دادگاه بین‌المللی کیفری که صلاحیت رسیدگی به اتهامات او را دارد تحویل دهد. نک: (Ardabili, 2012: 133).

این عرصه بوده‌اند (Mohamadi, 2024: 179). همچنان که می‌توان تحولات اجرای این اصل را در رویه قضایی بین‌المللی^۱ و عملکرد دولت‌ها^۲ نیز کشف کرد. مسئله اصلی این است که از میان کنوانسیون‌های چندجانبه حاوی قاعده «یا استرداد یا محاکمه» که در چهار دسته کلی و مصادیق مختلف طبقه‌بندی شده‌اند^۳، موارد معدودی در ایران تصویب شده و از آن میان نیز تنها دو مورد از کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن این قاعده به کشور ما مربوط است. یکی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) که در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۴ در مجلس شورای ملی تصویب شده است و

۱. در قضیه مطرح‌شده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری که حاوی مطالبی در زمینه تعهد به استرداد یا محاکمه است، در ۱۹ فوریه ۲۰۰۹ بلژیک شکایتی را نزد دیوان علیه دولت سنگال مطرح می‌کند. این شکایت در زمینه اختلاف دو کشور در مورد اجرای تعهد به محاکمه یا استرداد رئیس‌جمهور سابق چاد، حسن هابره بود که در ۲۰ جولای ۲۰۱۲ رأی نهایی مبنی بر تأیید تعهد بین‌المللی دولت سنگال در محاکمه یا استرداد متهم صادر شد. نک: (Baigzadeh & Mirfalah, 2015: 16).

۲. ژنرال پینوشه، دیکتاتور شیلی در اکتبر ۱۹۹۸ برای معالجه به لندن سفر کرد. در همین اثنا یک قاضی اسپانیایی به نام کارزون بر اساس کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمان، از انگلستان درخواست بازداشت و استرداد او را به سبب جرائم سنگین کرد. سرانجام در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ دادگاه عالی انگلستان رأی تاریخی خود را علیه پینوشه صادر کرد. دادگاه چنین اعلام کرد که مصونیتی که حقوق عرفی، آن را برای مسئولان دولتی به رسمیت می‌شناسد در برابر مقررات بین‌المللی مانند قاعده منع شکنجه سازمان‌یافته که شکل قواعد آمره را به خود گرفته است، قابل استناد نیست. قبل از پینوشه نیز روسای چند دولت دیگر مانند، میلوسویچ (یوگسلاوی سابق)، مانوئل نوریگا (پاناما)، فردیناند مارکوس (فیلیپین) و آلفردو استروستر (پاراگوئه) به همین شکل مورد تعقیب قرار گرفتند. (در این زمینه، نک: Falk, 2004: 98).

۳. پروفیسور بسیونی، این چهار گروه از کنوانسیون‌ها را بر مبنای شباهت‌های ماهوی و تاریخ تصویب به شکل زیر تقسیم کرده‌اند: کنوانسیون ۲۰ آوریل ۱۹۲۹ در زمینه مقابله با جعل اسکناس و کنوانسیون‌های بعدی دارای تعریف مشابه از قاعده، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، کنوانسیون‌های منطقه‌ای استرداد مجرمان، کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ و کنوانسیون‌های بعدی دارای تعریف مشابه از قاعده. (در این زمینه، نک: (Ardabili & Mifalah, 2018: 15).

دیگری کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) که در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.^۱ در زمینه مبارزه با جرم «نقض فاحش مقررات» که همانا پاره‌ای از جنایات جنگی را شامل می‌شود، در کنوانسیون‌های ژنو این‌گونه بیان شده است «... هریک از دول عضو باید بر اساس تعهد خود، مرتکبان یا مأموران به ارتکاب جرم نقض فاحش مقررات این کنوانسیون‌ها را یافته و این متهمان را صرف‌نظر از تابعیتشان، به مراجع قضایی ذیصلاح داخلی برای رسیدگی مناسب به جرم ارتكابی ارجاع دهند. البته دول عضو می‌توانند مسئله استرداد متهمان به دولت متقاضی را ترجیح داده و بر اساس مقررات داخلی خود، این افراد را برای محاکمه در مراجع قضایی دولت دیگری به دولت متقاضی استرداد، مسترد کنند. این دولت عضو صلاحیت ابتدایی خود را برای محاکمه متهم شناسایی می‌کند».

در کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم نیز اگرچه تنها مربوط به یکی از جرائم مرتبط با تروریسم است و از طرفی، ایران آن را با «حق شرط»^۲ تصویب کرده

۱. علاوه بر این، به موجب ماده ۵ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی که در تیرماه سال ۱۳۷۸ در بورکینافاسو به تصویب اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی رسیده و دولت ایران نیز طبق قانون ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ ضمن صدور حق شرط به آن ملحق شده است، مقرر می‌دارد: «کشورهای متعاقد، متعهد می‌شوند که متهمان یا محکومان به جرائم تروریستی را که هریک از این کشورها متقاضی استرداد آن‌ها هستند با رعایت قواعد و شرایط قید شده در این کنوانسیون مسترد کنند».

۲. در مورد حق شرط کشورها نسبت به اسناد کیفری بین‌المللی، سه رویکرد متفاوت وجود دارد: موردی که حق شرط پذیرفته نیست، مانند اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در ماده ۱۲۰ مقرر می‌دارد: «هیچ حق شرطی نسبت به این اساسنامه نمی‌تواند اعمال شود. موردی که حق شرط منع نشده است، مانند کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم یا کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی (۱۳۷۸) که ایران نیز با حق شرط (عدم مغایرت مواد و مفاد کنوانسیون با موازین شرع) به آن‌ها پیوسته است و نهایتاً موردی که استثنائاً، حق شرط پذیرفته می‌شود؛ مانند بند یک ماده ۲ دومین پروتکل اختیاری (۱۹۸۹) مرتبط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) با هدف لغو مجازات اعدام که مقرر می‌دارد: «هیچ حق شرطی نسبت به این پروتکل پذیرفته نیست، جز حق شرطی که هنگام تصویب یا الحاق نسبت به اجرای مجازات اعدام

و در واقع بنحو مشروط به این کنوانسیون ملحق شده است که تبعاً این موضوع کشور ما را عملاً در جلب همکاری کشورهای عضو کنوانسیون و تعهد آن‌ها به مسئله استرداد یا محاکمه، با چالش‌ها و محدودیت‌های زیادی روبرو خواهد ساخت، ولی به هر حال این کنوانسیون مقرراتی را در زمینه قاعده موضوع بحث پیش‌بینی می‌کند. بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ این کنوانسیون: «هر کشور عضوی که متهم مورد ادعا در قلمرو آن حضور دارد... چنانچه آن شخص را مسترد نکند ملزم است بدون استثنا و صرف‌نظر از اینکه آیا جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته است یا خیر، بدون تأخیر غیرموجه، موضوع را جهت پیگرد از طریق تشریفات مندرج در قوانین آن کشور به مراجع صالح خود ارجاع کند. مراجع مزبور تصمیم خود را همانند تصمیم‌گیری در مورد سایر جرائم سنگین، به موجب قانون آن کشور، اتخاذ خواهند کرد». بند ۲ ماده ۱۱ نیز مقرر می‌دارد: «چنانچه کشور عضوی که استرداد را مشروط به وجود معاهده کرده است، درخواست استرداد را از کشور عضو دیگری که با آن هیچ معاهده استرداد ندارد دریافت کند، بنا به اختیار خود می‌تواند این کنوانسیون را به‌عنوان مبنای حقوقی جهت استرداد در رابطه با جرائم مندرج در ماده ۲ قلمداد کند...».

بدین ترتیب، تعقیب و محاکمه یا اجرای حکم علیه مسئولین و نیروهای رژیم صهیونیستی و آمریکایی در محاکم داخلی نیازمند معاضدت کشورها در استرداد متهمان یا محکومان است ولی ما با بسیاری از کشورها معاهده استرداد نداریم، بدیهی است قوانین و اندک معاهدات کنونی استرداد در کشور ما، اصلاً با شرایط و نیازهای روز سازگاری ندارد؛ بنابراین در چنین شرایطی و تا زمان تصویب قوانین لازم و انعقاد معاهدات مناسب تنها می‌توان بر اساس «اصل عمل متقابل» موجود در مقررات حقوقی استرداد اقدام کرد. در این صورت اگر ایران با کشور موردنظر، ارتباط دوستانه و مناسبی

برای جرائم بسیار جدی که در زمان جنگ ارتکاب یافته، اعلام می‌شود؛ بنابراین حتی در صورت لغو مجازات اعدام، تنها در مورد جنایات جنگی است که می‌شود تحت شرایط خاصی، مجرمان را به اعدام محکوم کرد.

داشته باشد حتی با فرض عدم وجود قرارداد، می‌تواند درخواست خود مبنی بر استرداد متهم یا مجرم را مطرح کند و آن کشور نیز بپذیرد.

در آخر، شایان ذکر است که هرچند صلاحیت رسیدگی محاکم داخلی کشور ما نسبت به جنایات و جرائم ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه به استناد اصل صلاحیت سرزمینی به‌طور کلی و نیز برای رسیدگی به موارد نقض کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو که مستقیماً برخاسته از متن کنوانسیون‌هاست، مشروط به حضور مرتکب در قلمرو خاک ایران نشده است و لذا رسیدگی غیابی در این مرحله، امکان‌پذیر خواهد بود اما به هر حال برای اجرای حکم مجازات نسبت به محکومین، حضور ایشان لازم است و به‌عبارت‌دیگر، اجرای غیابی حکم امری ناممکن و بلااثر خواهد بود.^۱ بنابراین، امکانات دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی مرتکبین موضوع بحث، حتی به استناد اصل صلاحیت سرزمینی عملاً غیرممکن یا لاقابل محدود و ناچیز خواهد بود.

در آخر، مشکل دیگری که می‌تواند به مشکلات فوق اضافه شود و عملاً مانع استرداد سران و مقام‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی به خاطر ارتکاب جنایات بین‌المللی موردنظر شود، بحث مصونیت قضایی احتمالی آنان است.

اگرچه در حقوق بین‌الملل، مصونیت از تعقیب و مجازات به مفهوم سستی آن، برای حمایت از مقام‌های دولتی و دیپلماتیک‌ها به خاطر ارتکاب جرائم معمولی منظور شده است.^۲ لذا از دیرباز و به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده اصلی این است که موقعیت رسمی افراد، مانع تعقیب آن‌ها در برابر جنایات بین‌المللی نمی‌شود (Cassese,

۱. به‌عنوان مثال، در بند ج ماده ۶ قانون معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۴ در ذیل موارد اجباری امتناع از استرداد بیان می‌دارد: «چنانچه درخواست استرداد توسط طرف تقاضا کننده بر مبنای «حکم غیابی» ارائه شده باشد مگر آنکه طرف درخواست‌کننده متعهد شود که شخص موردنظر فرصت محاکمه مجدد با حضور خود را خواهد داشت».

۲. در خصوص مصونیت سران دولت‌ها در حوزه معاهدات بین‌المللی، نک: کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در زمینه روابط دیپلماتیک کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در زمینه روابط کنسولی، کنوانسیون ۱۹۶۳ نیویورک درباره مأموریت‌های خاص.

200: 2004). قاعده‌ای که تا به امروز در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تصریح واقع شده^۱ و در عمل نیز به کار گرفته شده است؛ اما در سطح داخلی رویه قضایی دادگاه‌های ملی، گاه تبعیت از این قاعده و عدم پذیرش مصونیت^۲ و گاه نیز برعکس، عدول از چنین قاعده‌ای و در نتیجه، پذیرش مصونیت مقام‌های عالی‌رتبه دولتی^۳ در زمینه مورد بحث را نشان می‌دهد تا اینکه در نهایت، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ (۲۵ بهمن ۱۳۸۰) در خصوص دعوی دولت کنگو علیه دولت بلژیک مبنی بر نقض مصونیت وزیر امور خارجه کنگو (یرودیا) با تعقیب وی به اتهام جنایات جنگی علیه بشریت، قاعده عرفی مزبور را که «مصونیت‌های شغلی را از کارگزاران متهم به جنایات بین‌المللی سلب می‌کند» در هاله‌ای از ابهام قرار داد و به صراحت بیان کرد تا هنگامی که وزیر امور خارجه‌ای در رأس کار است، حتی در برابر ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز از مصونیت برخوردار است (ICJ Reports 2004. 58).

بر این اساس، طبق رأی دیوان که احتمالاً در موارد مشابه، مورد استناد مقام‌های عالی‌رتبه دولتی نظیر رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار خواهد گرفت، مصونیت مورد ادعای این افراد از موانع و چالش‌های جدی اعمال اصل صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های داخلی برای جنایات بین‌المللی ارتكابی آنان در جنگ ۱۲ روزه در ایران خواهد شد.

۱. اساسنامه دادگاه‌های: نورنبرگ (ماده ۷)، توکیو (ماده ۶)، یوگسلاوی سابق (بند ۲ ماده ۷)، روندا (بند ۲ ماده ۶)، دیوان کیفری بین‌المللی (بند ۲ ماده ۲۷)

۲. در این مورد می‌توان از قضایای: آیشمن در اسرائیل، باری در فرانسه، کاپلر و پیریک در ایتالیا، روتیر، آلبرشت و بوتروس در هلند، پینوشه در انگلستان و اسپانیا، حسن هابره در سنگال و بلژیک نام برد. نک: (Cassese, 2004: 200).

۳. دو پرونده مربوط در این زمینه عبارت‌اند از: رأی دیوان ملی اسپانیا در قضیه «فیدل کاسترو» رئیس‌جمهور کوبا و رأی دیوان عالی کشور فرانسه در قضیه «معمر قذافی» رئیس‌جمهور لیبی. نک: (Kamingah, 2003: 89).

فرجام سخن

در پاسخ به سؤال پژوهش و بر اساس مطالب گفته شده، به نحو واقع‌بینانه و به‌منظور شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌ها، فرضیه پژوهش به این تعلق گرفت که تنها در صورت وجود و احراز چند شرط اساسی زیر، امکان واقعی و عملی اعمال صلاحیت کیفری محاکم ملی ایران نسبت به جرائم و جنایات ارتكابی موضوع بحث وجود خواهد داشت: شرط صلاحیت قضایی، شرط جرم‌انگاری و شرط استرداد متهمان و محکومان به کشور.

در مورد شرط نخست، نتیجه بررسی، احراز صلاحیت قضایی دادگاه‌های کشورمان برای رسیدگی به این جرائم و جنایات بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی بود. در این راستا، با بررسی صلاحیت سرزمینی و صلاحیت فرا سرزمینی (واقعی، شخصی و جهانی) دادگاه‌های ایران، روشن شد که با توجه به ارتكاب جرائم و جنایات موضوع بحث در قلمرو خاک ایران، موضوع در چارچوب اصل صلاحیت سرزمینی ایران قرار گرفته و لذا بر اساس قاعده تقدم رتبه‌ای صلاحیت سرزمینی (مستقل) بر صلاحیت‌های فرا سرزمینی (مکمل) نوبت به بررسی و اعمال صلاحیت‌های اخیر نمی‌رسد.

همچنین نتیجه بررسی، این شد که از جرائم و جنایات مفروض در این جنگ، جنایت تجاوز ارضی یا سرزمینی، در حال حاضر بر اساس جدیدترین سند لازم‌الاجرای بین‌المللی یعنی اساسنامه رم (ماده ۸ مکرر) تعریف شده است. در مورد انطباق این جنایت بر «حملات سایبری» نیز هرچند نظر بر این است که «این حملات، چنانچه به آستانه شدت موردنیاز برای تحقق جنایت تجاوز رسیده و به یک دولت قابل استناد باشد، می‌توان آن را به‌عنوان جنایت تجاوز در نظر گرفت» اما در شرایط فعلی با توجه به فقدان معاهده و هرگونه رویه و عرف بین‌المللی در این خصوص بهترین راهکار، جرم‌انگاری بین‌المللی در این مورد است. همچنین در حقوق داخلی، اساساً جنایت تجاوز سرزمینی تحت همین عنوان، جرم‌انگاری نشده است. در حال حاضر اگرچه بتوان این جنایت را با مسامحه در قالب «جرم بغی» یا جرم قتل و عناوین مشابه دیگر،

مورد رسیدگی قرار داد اما به نظر می‌رسد، مفهوم تجاوز با عناوین مجرمانه داخلی ماهیت یکسانی نداشته و این شباهت‌های جزئی ما را از شرط جرم‌انگاری این جنایت بی‌نیاز نخواهد کرد. جنایات جنگی که به‌عنوان «نقض مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی» در ماده ۸ اساسنامه رم، تعریف و مصادیق متعدد آن (۳۴ مورد) نسبت به اشخاص و اموال مورد حفاظت پیش‌بینی شده است، جرم‌انگاری داخلی موردنیاز آن صورت نگرفته است. از طرفی نیز به همین دلیل و سایر اقتضات عملی بوده که بارها ضرورت این جرم‌انگاری با وضع قوانین کیفری مناسب پیش‌آمده و تلاش‌هایی نیز صورت گرفته ولی هنوز قانون لازم و جامعی در این زمینه تصویب نشده است. در مورد «تروریسم» و «جرائم تروریستی» نیز در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی پیش‌بینی نشده و به‌عبارت‌دیگر، جرم‌انگاری صورت نگرفته است. با وجود این، از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، همواره آماج حملات تروریستی بوده و خود قربانی تروریست‌های داخلی و خارجی قرار گرفته، در حوزه تقنین، تاکنون و به مناسبت‌های مختلف، قوانین کم و بیش مرتبط با این موضوع به تصویب قانون‌گذار رسیده است ولی تنها جرم مرتبط با مفهوم تروریسم که صریحاً مورد تقنین و جرم‌انگاری قرار گرفته است جرم «تأمین مالی تروریسم» موضوع قانون «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» (۱۳۷۴ و اصلاحی ۱۳۹۷) است. اگرچه در حال حاضر این رویکرد وجود دارد که با توجه به عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده در قوانین کیفری نیازی به تخصیص عنوان خاص عمل تروریستی نیست و اعمال تروریستی، خواه‌ناخواه به‌عنوان یکی از سایر جرائم (مثل محاربه) مطرح می‌شوند؛ اما به نظر می‌رسد شباهت‌های عناوین مجرمانه (مثل محاربه) با تروریسم نباید موجب القای این شبهه شود که تروریسم و این جرائم، مفهوم یکسانی دارند و با وجود عنوان مجرمانه فعلی، نیازی به جرم‌انگاری تروریسم در نظام حقوق کیفری ایران وجود ندارد. از این‌رو لازم است با تصویب قانونی جامع به خلأ قانونی موجود در خصوص تروریسم پایان داده شود.

از چالش جرم‌انگاری جنایات ارتكابی که بگذریم، مشکل اساسی دیگری خودنمایی می‌کند و آن محدودیت ناشی از عدم حضور مرتکبین این جنایات در سرزمین دولت مدعی صلاحیت سرزمینی یعنی ایران است؛ زیرا قطع نظر از امکان رسیدگی به اتهام متهمان در مرحله تعقیب و محاکمه بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی اما به هر حال محاکمه غیابی متهمان، در مواردی هم که دادگاه‌های ایران صلاحیت این کار را داشته باشند اقدامی نمادین و خالی از فایده عملی است؛ زیرا حکمی که در پایان چنین محاکمه‌ای صادر شود هیچ‌گاه امکان اجرا نخواهد یافت. بدیهی است در چنین شرایطی، قدیمی‌ترین شیوه معاضدت قضایی در امور کیفری یعنی «استرداد متهمان یا محکومان» کارساز خواهد بود که بر اساس آن دولت ایران می‌تواند از دولت محل حضور یا دستگیری متهم یا محکوم بخواهد که وی را به آن تسلیم کند. در اینجا نیز علاوه بر موانع و محدودیت‌های احتمالی ناشی از فقدان هر یک از اصول و شرایط «استرداد»، اساساً چند مشکل دیگر در تعقیب مقام‌ها و نیروهای رژیم صهیونیستی و آمریکایی در پرتو شرط استرداد بیشتر خودنمایی می‌کند: فقدان یا عدم کفایت قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و اکثر کشورهای جهان، پیش‌بینی «مجازات اعدام» در برخی از کنوانسیون‌های استرداد مجرمین به‌عنوان دلیل امتناع الزامی از استرداد و یا قبول استرداد به شرط دادن تضمینات مناسب مبنی بر عدم اجرای این مجازات در کشور متقاضی استرداد و نیز امکان استناد مقامات مافوق صهیونیستی، آمریکایی متهم به جنایات ارتكابی موضوع بحث به عذر «مصونیت شغلی» خود در راستای رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری.

بنابراین، امکانات دادگاه‌های ایران در شرایط فعلی برای رسیدگی به جرائم و جنایات بین‌المللی ارتكابی در جنگ ۱۲ روزه به لحاظ چالش‌ها و محدودیت‌های فوق، عملاً محدود و ناچیز خواهد بود. در عین حال، ضمن تلاش در جهت رفع موانع و چالش‌ها و اتخاذ یک سیاست جنایی منسجم و پویا باید با استفاده از تمام ظرفیت‌های

موجود در دو حوزه داخلی و بین‌المللی، امکان رسیدگی کیفری و نیز استیفای حقوق قربانیان این جنگ فراهم شود.

References

- Aghaei Jannet Makan, H. (2012). Definition, elements, and conditions of the exercise of jurisdiction of the International Criminal Court over the crime of aggression with a view to the Kampala Agreement. *Journal of International Law*, 28(44), 162-183. (In Persian)
- Alborzi Varki, M. (2008). Human rights and humanitarian rights. *Fundamental Rights Journal*, 14(8), 17-41. (In Persian)
- Aman, A., Khalid, F., & Ara, R. (2025). The Iran-Israel conflict: A struggle for oil, missiles, and power – the geopolitical battle unfolds. *Journal of Politics and International Studies*, 11(1), 55-64.
- Apochi, J., & Unogwu, C. E. (2025). The legality of United States intervention in a hypothetical Israel-Iran conflict: An analysis of Article 51 of the United Nations Charter and the principles of self-defence. *International Review of Law and Jurisprudence (JRLJ)*, 7(1), 22-45.
- Ardebili, M. A. (2012). *Extradition or prosecution: International criminal law, selected articles* (Vol. 1). Mizan Publishing. (In Persian)
- Ardebili, M. A., & Mirfalah Nasiri, N. (2018). Implementation of international conventions containing the rule of extradition or prosecution in Iran. *Law Journal of the Judiciary*, 81(98), 7-35. (In Persian)
- Bassiouni, M. C., & Wise, E. (1995). *Aut dedere aut judicare: The duty to extradite or prosecute in international law*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Beigzadeh, E., & Mirfalah Nasiri, S. N. (2015). The obligation to extradite or prosecute in customary law and international judicial practice. *Legal Research Journal*, 66, 1-30. (In Persian)
- Blackesley, C. L. (1984). A conceptual framework for extradition and jurisdiction over extraterritorial crimes. *Utah Law Review*, 1984, 685-782.
- Boehlander, M. (2020). *German Criminal Code* (A. Abbasi, Trans.). Majd Publications. (In Persian)
- Cassese, A. (2003). *International criminal law*. Oxford University Press.
- Cassese, A. (2004). Terrorism as disrupting legal categories of international law (H. Aghaei Jannat Makan, Trans.). *Judicial and Legal Journal of the Judiciary*, 44. (In Persian)

- Delkhosh, A. (2017). *Combating international crimes: States' obligation to cooperation*. Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. (In Persian)
- De Vabres, H. D. (1990). *Treatise on criminal law and comparative criminal legislation* (A. Azmayesh, Trans.). Faculty of Law and Political Science, University of Tehran Publications. (In Persian)
- Dihim, A. (2005). *An introduction to international criminal law (in the light of the statute of the International Criminal Court)*. Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian)
- Esmailzadeh Molabashi, P. (2017). Cyber-attacks as a crime of aggression and examining the jurisdiction of the International Criminal Court in its investigations. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 5(2), 43-65. (In Persian)
- Falk, R. A. (2004). Assessing the Pinochet litigation: Whither universal jurisdiction? In S. Macedo (Ed.), *Universal jurisdiction: National courts and prosecution of serious crimes under international law* (pp. 97-120). University of Pennsylvania Press.
- Faramarzi Babadi, S., & Pourbafrani, H. (2022). Actions of the international community and domestic regulations of countries in confronting the crime of territorial aggression. *Journal of Iranian and International Comparative Legal Research*, 54, 157-179. (In Persian)
- Foroughi, F. (2010). National obstacles and limits to international crimes. *Journal of Legal Studies*, 2(2), 130-146. (In Persian)
- Forughi, F. (2024). A reflection on the feasibility of national and international prosecution of the crimes committed by the Zionist regime in Gaza. *Public Law Knowledge Quarterly*, 16(1), 179-227. (In Persian)
- Frulli, M. (2002). The ICJ judgment on the Belgium v. Congo case: A cautious stand on immunity from prosecution for international crimes. *German Law Journal*, 3, 1-18.
- Ghasemi, M., et al. (2026). The twelve-day imposed war. Aram Del Publications. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J., & Hakimih, S. (2008). The necessity of criminalizing terrorism in Iranian criminal law. *Modarres Journal of Human Sciences*, 51, 47-72. (In Persian)
- Heidarian Dolatabadi, M. J., & Mazaheri Kohanestani, R. (2020). Limitations of national courts of countries in exercising universal jurisdiction to prosecute the crime of aggression. *Public Law Knowledge Quarterly*, 5(2), 29-53. (In Persian)
- Jalali, M., & Meghami, A. (2005). Interaction of Iranian law and international criminal law in criminalizing "use of chemical weapons". *Mofid Journal*, 70, 113-129. (In Persian)

- Jalalian, A. (2025). *Extradition agreements between the Islamic Republic of Iran and other states*. Dadgostar Publications. (In Persian)
- Jalalian, A. (2026). *Mutual legal assistance agreements in criminal matters between the Islamic Republic of Iran and other states*. Dadgostar Publications. (In Persian)
- Javanmard, B. (2020). *Transnational organized crimes* (Vol. 2, 2nd ed.). Jangal Publications. (In Persian)
- Kamingah, M. (2003). Application of universal jurisdiction in relation to gross human rights offences (S. B. Mohammad Javad, Trans.). *Law Journal*, 28, 61-114. (In Persian)
- Kesan, J. P., & Hayes, C. M. (2012). Mitigative counterstriking: Self-defense and deterrence in cyberspace. *Harvard Journal of Law and Technology*, 25(2), 415-529.
- Khaleghi, A. (2023). *Essays on international criminal law*. Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. (In Persian)
- Mohtasham Fatemeh, M. (1973). *General criminal law* (Vol. 1). University of Tehran Publications. (In Persian)
- Mohammadi, S., Mahdavi Sabet, M. A., & Ashouri, M. (2024). The evolution of prosecute or extradite in judicial practice and international documents. *Judicial Legal Perspectives Journal*, 104, 176-202. (In Persian)
- Momtaz, J. (2021). Jurisdiction of the International Criminal Court in the trial of persons accused of committing war crimes. In H. Al-Ishaq (Ed.), *International Criminal Court and the Islamic Republic of Iran*. Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian)
- Nabavi, M. H. (2016). *Criminalization of terrorism from the perspective of Jafari and Hanafi jurisprudence* (1st ed.). Majd Publications. (In Persian)
- Nejad, R. (2025, January 29). Iran and Israel's covert pragmatic friendship. *New Lines Magazine*.
<https://newlinesmag.com/newlinesmag.com/argument/iran-and-israels-covert-pragmatic-friendship/>
- Nejandi Manesh, H., & Bazar, V. (2018). The complementarity of the jurisdiction of the International Criminal Court and the crime of aggression. *Criminal Law Teachings*, 14, 201-224. (In Persian)
- Pourbafrani, H. (2013). Examining the basis and conditions for exercising jurisdiction of domestic courts of countries to prosecute war crimes. *International Studies Quarterly*, 9(3), 1-22. (In Persian)
- Rashidi, A., & Raehsi, L. (2019). The effect of the death penalty on extradition of criminals. *Journal of Political and International Research*, 34, 176-196. (In Persian)

- Shams Nateri, M. E., & Eslami, D. (2016). The criminal nature of terrorism financing. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 2(4-5), 25-46. (In Persian)
- Shirzad, H., & Kharazi, F. (2010). Dimensions and effects of Goldstone's report on the Gaza war. *Strategy Quarterly*, 19(55), 79-95. (In Persian)
- Sodemandi, A. M. (2017). Legal challenges of extending the jurisdiction of the International Criminal Court to the crime of aggression. *Comparative Law Studies*, 20(1), 128-149. (In Persian)
- Taskhiri, M. S. (2026). Feasibility assessment of the Islamic Republic of Iran's confrontation with international crimes of the Zionist regime through accession to the Rome Statute with a view to jurisprudential considerations of the Guardian Council. *Public Law Knowledge Quarterly*, 14(1), 157-182. (In Persian)
- UN Human Rights Office of the High Commissioner. (2024, April 16). Israel and Iran must de-escalate conflict to protect human rights, warn UN experts. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/04/israel-and-iran-must-de-escalate-conflict-protect-human-rights-warn-un>
- Ziyayi, S. Y., & Hakimiha, S. (2017). Conditions for exercising universal jurisdiction in international law. *Public Law Quarterly*, 18(53), 1-25. (In Persian)
- Zohiri, F., & Taji, H. (2021). Challenges of criminalizing major international crimes with emphasis on the existence or non-existence of enforcement guarantees by international criminal authorities. *Legal Studies Journal*, New Series, 6, 25-46. (In Persian)